

تجارت طلا

در اواخر

عصر صفوی *

بین ونیز و سورات

○ رودی متی

دانشگاه دلیوار - آمریکا

○ ترجمه: حسن زندیه

مقدمه:

دولت‌های عثمانی، صفوی و مغول هر یک به روش خود، میراث مشترکی از عناصر ترکیبی ایرانی - اسلامی و ترکی - مغولی در ساختار سیاسی اجتماعی خود تشکیل دادند که علیرغم تفاوت‌های اساسی، نمایانگر مشابهت‌های قابل ملاحظه‌ای بود. این امر، بعلاوه طرق متعددی که تأثیرات متقابل فرهنگی، سیاسی و نیز اقتصادی بر یکدیگر داشتند، باعث می‌شد که این سه دولت مجموعه‌ای فراتر از یکسری دولت‌های مجزا و خودکفا باشند. غرب و جنوب آسیا در دوره ما قبل مدرن و اوایل دوره مدرن زمانی به بهترین نحو مورد بررسی قرار می‌گیرد که در یک طیف تعاملی تجزیه و تحلیل شود. هیچ وسیله مبادله، مانند شمش و مسکوکات نشانگر ایده رابطه متقابل منطقه‌ای نمی‌باشد نمونه‌ای از فلز گران‌بها را می‌توان ردگیری کرد که در ازای کالاها لوکس از اوایل قرون میانه و حتی قبل از ظهور اسلام از اروپا به ایران می‌آمد و منعکس کننده عدم تعادل بین پرداختها در غرب و شرق بود. از همان ایام تا تقریباً دوره‌های اخیر، آسیا تمایل داشت کالاها را مورد نیاز غرب را عرضه کند؛ حال آنکه کالاها تولیدی اروپا برای مصرف کنندگان آسیایی چندان چنگی به دل نمی‌زد.^۱

ایران بر سر چهارراهی بین قلمرو عثمانی و مغول قرار داشت و دقیقاً در میانه این جریان قرار گرفته بود. با وجود این، اطلاعات صریحی پیرامون نقش ایران در کالاهایی که بابت آنها شمش مبادله می‌شد تا قرن شانزدهم اندک است. اطلاعات مربوط به مبادله شمش فقط با به قدرت رسیدن سلسله صفوی ۳۵ - ۹۰۷ - ۱۱۴۳ ه. ق / ۱۵۰۱ - ۱۷۲۲ م. و به انکاء منابع پرتغالی که اطلاعاتی راجع به داد و ستد شمش بین ایران و هند از راه دریائی ارائه می‌دهند، کاملتر می‌شود.^۲

بعد از سال ۱۰۰۸ ه. ق / ۱۶۰۰ م. طی آخرین دهه زمامداری شاه عباس اول ۹۹۵ - ۱۰۳۸ ه. ق / ۱۵۸۷ - ۱۶۲۹ م. سندیت این جریان بسیار فراوان و به مراتب صریح تر می‌شود، که این امر عمدتاً به دلیل اطلاعات مندرج در اسناد کمپانی‌های دریائی هلندی و انگلیسی است که خودشان به شرکای عمده مبادله شمش مبدل شدند. اطلاعات مندرج در این اسناد و سایر منابع ما را بر آن می‌دارد که صفویان را به‌عنوان حوزه اصلی این مبادله، نه صرفاً در محور عثمانی - مغول، بلکه در یک شبکه حمل و نقل بین منطقه ای که شبه‌جزیره عربستان و دولت مسکو را هم شامل می‌شد تجزیه و تحلیل نمائیم.

این پژوهش، داد و ستد شمش و مسکوکات را همانطوری که طی سده هفدهم و اوایل قرن هجدهم، (نیمه دوم سلطنت صفویان)، از طریق ایران جریان داشت، بررسی می‌کند. بحث اصلی این مقاله عبارت است از: نقش طلا در این نقل و انتقالات، هم از لحاظ نقشی که این فلز بطور کلی در مبادله بین المللی کالاها برای شمش و سکه و هم در تجارت داخلی ایران و معامله پولی داشته است. ابتدا نگاهی اجمالی به نقش طلا در قرون پیشین عصر صفوی، در ذیل خواهد آمد.

۱- طلا در نظام پولی ایران، سالهای ۶۹۹-۱۱۱۲ ه. ق / ۱۳۰۰-۱۷۰۰ م. غازان خان ۶۹۴ - ۷۰۳ ه. ق / ۱۲۹۵ - ۱۳۰۴ م. برجسته ترین فرمانروای ایلخانی سلسله مغول که بخش خاوری جهان اسلام را طی بخش

عمده سده‌های سیزدهم و چهاردهم میلادی تحت سیطره خود در آورد، نظام پولی واحد و یکنواختی را در ایران به‌عنوان بخشی از اصلاحات اداری‌اش معمول گردانید. این نظام پولی بر گردش همزمان طلا و نقره مبتنی بود. (مس هم در گردش بود اما یک سکه شاهی نبود و به سختی جهت مقاصد اقتصادی محلی و معاملات کم اهمیت به‌کار برده می‌شد.) درهم‌های نقره‌ای، حجم عظیمی از مسکوکات ضرب شده این دوره را شامل می‌شد؛ و فقط نقره پول واقعی بود زیرا که صرفاً سکه‌های نقره‌ای با وزن معین و عیار قانونی ضرب می‌شد.^۳ ایلخانان سکه‌های طلا در وزن‌های مختلف و نامشخص ضرب می‌کردند. احتمالاً این اقدام بدین جهت بود که موجودی و عرضه طلا تثبیت نگشته بود، زیرا فقط یک معدن طلا در همه ایران کشف شده بود. طلایی که با وزن مشخص رواج یافت، به عنوان یک کالای اقتصادی بیش از پول مورد پذیرش واقع می‌شد و بیشتر آن از ایران به هند منتقل می‌گردید.^۴



سکه طلا، ضرب هرات، شاه طهماسب اول (۹۲۳-۹۸۴ ه. ق.)

با اضمحلال دولت ایلخانی در پی مرگ سلطان ابو سعید در سال ۷۳۶-۳۷ ه. ق / ۱۳۳۶ م. نه تنها نظام واحد پولی ایران از هم گسیخت بلکه تناسب فلزاتی هم که در پول ایران مورد استفاده واقع می‌شد، به سوی نقره میل کرد که بعد از آن تنها فلز نظام مالی ایران گشته بود. مادامی که سکه مسی بالنسبه کمیاب شد، ضرب سکه طلا با هر مقدار قابل توجه متوقف گردید و بیشتر آنهایی که در این دوره ضرب می‌شد، به نظر می‌آید جهت اهداء و استفاده در مراسم تشریفاتی بوده است.^۵



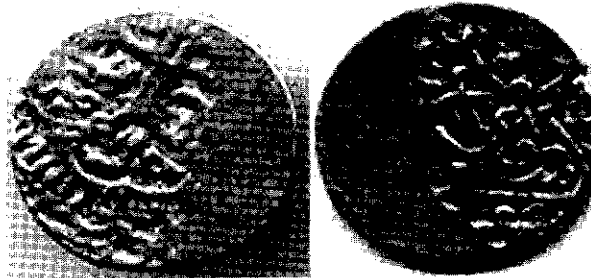
سکه طلا، ضرب اصفهان (۱۱۳۴ ه. ق.)

گسترش و توسعه امپراطوری عثمانی در تغییر کاربری سکه‌های طلا سخت تأثیرگذار است؛ تا جائیکه در سال ۸۸۲ ه. ق (۱۴۷۷-۷۸ م) سکه طلای جدیدی به نام سلطان عرضه گردید.^۶ طلا در سرزمین‌های عثمانی قبل از زمامداری سلیمان اول ۹۲۶-۹۶۳ ه. ق / ۱۵۲۰-۵۶ م کم‌اکنون کمیاب بود، اما با فتح مصر در سال ۹۲۳ ه. ق / ۱۵۱۷ م و با وصول مالیات به صورت طلا از آن کشور فراوان گشت.^۷ صدور طلا از طریق دریای سرخ و خلیج فارس از همان زمان شاید صفویان را هم قادر ساخت که مجدداً سکه طلا عرضه نمایند. به علاوه ایران در دوره فرمانروایی اولین سلطان صفوی، شاه اسماعیل (سلطنت ۹۰۶-۹۰۷ ه. ق / ۱۵۰۱-۲۴ م) که کمی بعد از جلوس بر سریر قدرت به ضرب اشرافیهای طلا اقدام نمود به یک سکه طلای بومی دست یافته بود.^۸



سکه طلا، ضرب تبریز (۹۰۸ ه. ق.) شاه اسماعیل اول

با وجود این، طلا بین سالهای ۹۰۷-۱۰۱۹ ه. ق / ۱۵۰۱-۱ و ۱۶۱۰م. فقط در مقادیر مناسب ضرب می‌شد و در کل دوره صفوی نسبت به نقره با فاصله زیاد در مرتبه دوم قرار داشت و جریانش در نقل و انتقالات شمش بین قاره‌ای با انتشار و گسترش سریع ریال اسپانیولی^۹، در سراسر آسیا به حداقل رسید. علاوه بر این تعدیلاتی در پول عثمانی صورت گرفت که منجر به کاهش ارزش پول آقچه^{۱۰} گردید که این امر بدون کاهش قیمت کارمزد ضرابخانه‌ها بود و این تعدیل باعث افزایش جریان نقره در ایران گردید.^{۱۱} سکه‌های خارجی از ریال اسپانیولی گرفته تا لیونالد (دلار شیرنشان) هلندی به وفور در قلمرو صفویان رایج بود^{۱۲} و برای تجارت در مناطق دور دست کشور در کنار سکه نقره عباسی و محمودی (دو شاهی) - دو سکه نقره اصلی عصر صفوی - طی قرن هفدهم به کار می‌رفت. در واقع ضرب سکه طلا در ایران تقریباً در اواسط دوره سلطنت شاه عباس اول متوقف گردید و تا دهه پیش از سقوط اصفهان و افول ستاره اقبال دولت صفوی در سال



سکه طلا، ضرب خزانه، بسیار نادر، شاه طهماسب اول

۱۱۳۴-۳۵ ه. ق / ۱۷۲۲ م. هیچ سکه طلایی ضرب نشد. این شاه سلطان حسین سلطنت ۱۱۳۳-۳۵ تا ۱۱۰۵ ه. ق / ۱۶۹۴-۱۷۲۲ م. آخرین شاه سلسله صفوی بود که ضرب سکه‌های طلایی را از سر گرفت. او در یک اقدام اضطراری جهت تامین هزینه نظامیاتی که می‌باید در برابر افغانان مهاجم مقاومت نمایند، در سال ۱۱۲۹ ه. ق / ۱۷۱۷ م. به ضرب

سکه اشرفی طلا دست زد.^{۱۳}

نقش نامحسوس طلا به عنوان سکه رسمی منجر به گسترش این تصور غلط شده است که طلا نقش بارزی در حیات بازرگانی عصر صفوی ایفاء نکرده است. اصل و ریشه این نظریه برمی گردد به مشاهدات سیاحان نیمه سده هفدهم میلادی، نظیر شاردن و تاورنیه که به اشتباه دریافتند که پول رایج صفویان سکه طلا نیست و سکه طلا در بازار صفویان به وضوح مشاهده نمی شود. اظهار نظرهای این افراد در طی زمان به عنوان حقیقت مسلم پذیرفته شده است. مقاله حاضر قصد دارد به بررسی نقش طلا در بازار ایران بپردازد و با نشان دادن نقشی که مسکوک طلا در تجارت بین المللی از طریق ایران، بازی می کرد این ابهام و سوء تفاهم را برطرف نماید.

طی دوره‌ای بین سال‌های ۱۹ - ۱۰۱۸ ه. ق / ۱۶۱۰ - ۱۷۱۷ م. ممکن است طلا به صورت محلی در هیچ کمیتی ضرب نشده باشد، اما از بازار ناپدید نگردید، به علاوه طلا دومین موضوع این مقاله خواهد بود، زیرا هدف این است که پیچیدگیها و صعوبت‌های داد و ستد شمش از طریق غرب آسیا نشان داده شود. سکه طلا که در ایران عرضه شد تقریباً به طور انحصاری سکه دو کات^{۱۴} ایتالیایی بود. که کلمه سکوئین^{۱۵}، سکه زر قدیمی در ایتالیا و عثمانی،

تا دوره‌های اخیر، آسیا تمایل داشت کالاهای مورد نیاز غرب را عرضه کند، حال آنکه کالاهای تولیدی اروپا برای مصرف کنندگان آسیایی چندان چنگی به دل نمی زد

در منابع انگلیسی معاصر، خواه به شکل اصلی و نیز آن و یا به اشکال متخلف اروپایی از آهن مشتق شده است.

در واقع دو کات طلا تنها سکه‌ای است که می توان قیمت آن را در ایران طی اواخر دهه‌های قرن هفدهم و اوایل قرن هجدهم میلادی محاسبه نمود. و همچنین می توان در نقل و انتقالات و داد و ستد آن، تأثیرات پیچیده عواملی مانند محیط خشن طبیعی، ماهیت دوره‌ای مبادلات بازرگانی و مداخلات سیاسی را که منجر به پیدایش الگویی از احتمالات و رویدادهای غیر مترقبه گردید، ملاحظه نمود.

پس در ادامه بحث، ابتدا کارکرد طلا، به عنوان پول بین المللی در حیات اقتصادی صفویان و تا حدی نقش دولت در اداره جریان طلا، همچنین وضعیت آنهایی که از مبادله شمش سود می بردند، بررسی خواهد شد. بدنبال این، عوامل ذاتی و عرضی، داخلی و خارجی که بر نوسانات کوتاه مدت و موجودیت طلا در بازار ایران تأثیر می گذاشتند واریسی خواهد شد. در انتها همچنین روند بلند مدت قیمت‌های طلا در نیمه دوم قرن هفدهم، در حوزه وسیع تر که به واسطه محور عثمانی - مغول احاطه شده بود، مورد بررسی قرار می گیرد.

۲ - طلا: جریانها و منافع

از قرن هفدهم میلادی به بعد دولت عثمانی مهمترین منبع بی واسطه جریان شمش ایران بود مدتها پیش از ورود کمپانی‌های دریایی غربی به

عرصه تجارت لوانت^{۱۶}، این وضعیت به واسطه جریان ثروت دنیای جدید در اوایل دهه ۶ - ۹۰۵ ه. ق / ۱۵۰۰ م. افزایش یافته بود. در نتیجه این تحولات، تمامی حوزه دریای مدیترانه مملو گردید از کشتی‌هایی که فلز گران بها را از دنیای جدید می آوردند. بخش عظیمی از طلا و به ویژه نقره‌ای که وارد ایتالیا می شد، به لوانت می رفت؛ جایی که جهت پرداخت تتمه حساب‌های تجاری ایتالیا به کار برده می شد. تمامی این جریانات در تلاش گسترده بازرگانان ایرانی و سایر تجار که نقره را از بنادر شرقی دریای مدیترانه به ایران می آوردند، منعکس است^{۱۷} رشد ناگهانی تجارت با پیوستن فرانسه، هلند و انگلیس به ونیز و عثمانی‌ها به تجارت لوانت تنها می توانسته ورود فلز گران بها را افزایش دهد. در قرن هفدهم میلادی بیشتر شمش‌های که به ایران وارد می شد کما فی السابق از قلمرو عثمانی به ایران می آمد. مکاربان عمده عصر صفوی، بازرگانان بودند. بیشتر آنها ارمنی‌هایی بودند که در اکتبر و نوامبر هر سال از طریق تبریز و بغداد وارد ایران می شدند در حالی که کالاهای خود را که بیشتر ابریشم بود در شهرهای لوانت مانند حلب و از میر فروخته بودند. اگر هیچ نشانه دیگری هم وجود نداشته باشد، همین ورود شمش قویاً حاکی از آن است که ایران که مقدار زیادی ابریشم صادر می کرد از مزاد تجاری با امپراتوری عثمانی و حوزه دریای مدیترانه سود می برد.^{۱۸}

علاوه بر دو راهی که از امپراطوری عثمانی از طریق بغداد و تبریز می گذشت، روسیه هم منبع بخشی از فلز گران بها بود که به ایران وارد می شد. همانند تراز تجاری مثبت ایران با ترکیه این تراز مثبت با دولت در حال گسترش مسکوی هم وجود داشت.^{۱۹} قبلاً در قرن شانزدهم مقداری پول هلندی از طریق روسیه وارد ایران شده بود.^{۲۰} به استناد اطلاعات پراکنده معلوم می شود که تزارهای وقت روسیه، همچنین تزارهای بعدی، و بازرگانان خصوصی کالاهایی را از ایران و دولت عثمانی خریداری می کردند و در ازای آن، مقداری کالاهای صادراتی مانند خز و آهن آلات و مقداری هم شمش می پرداختند.^{۲۱} یک منبع معاصر مدعی است که روس‌ها می بایست نیم تا یک سوم از قیمت کالاهایی را که دریافت می کردند، در قالب نقره و سکه‌های طلا پرداخت کنند.^{۲۲} مطابق منبع دیگری، در سال ۷۴ - ۱۰۷۳ ه. ق (۱۶۶۳ م) نقره ۹٪، مس ۵٪ و طلا ۴٪ واردات روسیه از آذربایجان و ایران را شامل می شد.^{۲۳} این درصدها به خوبی با مس، نقره و سکه‌های طلائی که ۱۷۰۰۰ روبل ارزش داشت، برابری می کرد و این مقدار بخشی از کل کالاهای پول نقدی بود که ۷۶۷۴۹ روبل می ارزید و توسط کاروانی که در همان سال از مسکو می آمد، حمل می شد.^{۲۴}

بیشتر شمش‌های که از شمال غرب وارد ایران می شد و بیشتر شمش‌های که در قالب پول محلی مجدداً در ضرابخانه‌های ایالتی تبریز و تفریس ضرب می شد، اصفهان مقصد اصلی آنها بود. زیرا اصفهان از دهه ۹۹ - ۹۹۸ ه. ق. (۱۵۹۰ م) پایتخت صفویان بود و در قرن هفدهم شهری پر جمعیت و بازار عمده کشور شده بود. جایی که مرکز صادرات مهمترین کالای کشور نظیر ابریشم و واردات ادویه و کالاهای مصنوع از هند در آنجا قرار داشت. ارزش نسبی و وجود نقره در مقابل ارزش نسبی و وجود طلا به خوبی احساس می شد.^{۲۵}

هر کدام از دو فلزی که استعمال آنها شایع می شد، انبوهی از آن فلزی که در شهر انباشته شده بود سرانجام راه خود را به سوی خلیج فارس پیدا می کرد و از آنجا به شبه قاره هند سرازیر می شد. بیشتر پول مسکوک از طریق تجارت دریایی صادر می شد، اما حمل و نقل خشکی که حجم آن نشان می دهد رقیب قابل ملاحظه‌ای برای تجارت دریایی بوده است، به هیچ وجه جزئی و کم اهمیت نبود. علیرغم اطلاعات اندکی که پیرامون این مسئله وجود دارد با توجه به اثر راهزنی در سال ۸۴ - ۱۰۸۳ ه. ق (۱۶۷۳ م) از یک کاروان ثروتمند، در نزدیکی قندهار که گزارش شده است و طی آن مبلغ کلان و بی تردید اغراق آمیز ۱۵۰۰۰۰ تومان^{۲۶} به غارت رفت، این موضوع

به ذهن القاء می‌شود که حجم تجارت خشکی واقعاً قابل ملاحظه بوده است.^{۲۸}

علت عمده اینکه مقدار زیادی طلا و نقره به هند برده می‌شد کسری زیاد تراز بازرگانی ایران با شبه قاره هند بود. این امر برخلاف موقعیت کشور در مقابل امپراطوری عثمانی و روسیه بوده. دولت صفوی به اندازه کافی کالاهای صادراتی تولید نمی‌کرد تا بتواند پاسخگوی حجم عظیمی از ادویه و کالاهای مصنوع هندی باشد که عمدتاً شامل تعداد زیادی لباس در اشکال متنوع بود. اشتهای سیری‌ناپذیر امپراطور مغول برای پول نقد، با جریان مداوم طلا به سوی سواحل کورماندل^{۲۹} تعیین می‌یافت. اما همانگونه که از ارقام بنگال که توسط اوم پراگاش^{۳۰} ارائه شده، بر می‌آید این جریان در شمال و جنوب نیز وجود داشته است. وی برآورد می‌کند که حجم کلی واردات انگلیس و شرکت هند شرقی هلند به بنگال بین سالهای ۷۱ - ۱۰۷۰ هـ. ق / ۱۶۶۰ م و ۱۱۳۲ - ۳۳ هـ. ق / ۱۷۲۰ م. به ترتیب فقط ۲۰/۶٪ و ۱۲/۵٪ به صورت کالا بوده است.^{۳۱} مابقی شامل شمش می‌شد که بیشتر آن از ایران می‌آمد.^{۳۲} موقعیت ایران در این طرح کلی دقیقاً برعکس بقیه کشورهای آسیایی بود، جایی که ناتوانی اروپاییان مبنی بر تولید کالاهای مورد علاقه مردم محلی به اندازه کافی واردات طلا را از اروپا الزامی ساخته بود.^{۳۳}

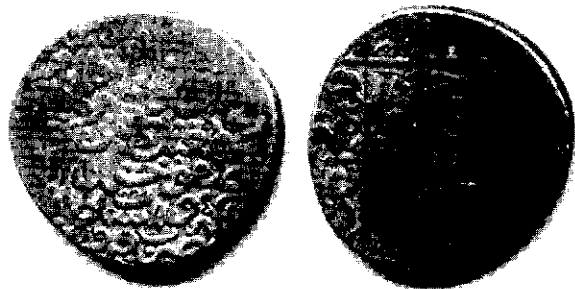
عدم توازن پرداخت بین شرق و غرب و در نتیجه حمل شمش از اروپا به آسیا برای بازرگانان و مقامات دولتی، به یک اندازه فرصت‌های خوبی را برای دستیابی به نرخ‌های مختلف فراهم آورد. منافع حاصله چقدر بود؟ در جستجوی جواب این سؤال بهتر است به نظر سیاح مشهور ایتالیایی وینچنتو دالساندری^{۳۴} مراجعه کنیم که در سال ۸۰ - ۹۷۹ هـ. ق / ۱۵۷۲ م. مطلب ذیل را در مورد انتقال شمش به ایران بیان کرده است.

«در کشور ایران غیر از معدن آهن، هیچ معدن طلا، نقره و مس وجود ندارد. از این رو کسانی که از عثمانی نقره وارد می‌کنند ۲۰٪ سود می‌برند و از واردات طلا ۱۴٪ تا ۱۵٪ و از مس گاهی اوقات ۱۸٪ تا ۲۰٪ بهره‌مند می‌شوند. این حقیقتی است که این قیمت‌ها خیلی گزاف است چرا که صدور فلزات در ایران ممنوع است.»^{۳۵}

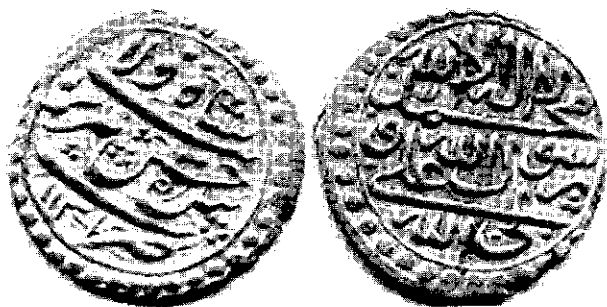
مشاهدات دالساندری راهنمای خوبی است، اما به بررسی دقیق‌تری نیاز دارد. نخست اینکه او از قرار معلوم به سودی که بابت فلزات گران‌بها در ایران بدست می‌آمد؛ اشاره کرده است تا به منفعت کلی که از صدور شمش از اروپای غربی به آسیای جنوبی - مقصد نهایی بیشتر فلزات - حاصل می‌شد. او **گو توچی**^{۳۶} که ظاهراً به کل خط سیر شمش اشاره دارد، مدعی است که در قرن هفدهم از طلاهای اروپائی ۶۰٪ تا ۷۰٪ و از دوکات‌های ونیزی ۵۰٪ سود بدست می‌آمد.^{۳۷}

ثانیاً ارقام دالساندری معتبر است اما اعتبارشان فقط برای یک سال یا حتی یک فصل می‌باشد که او شاهد مستقیم اوضاع و احوال بوده است. چنانکه مشاهده خواهد شد، نرخ شمش بسیار متغیر بود و در یک شاخص ثابت همانند دلار امروز آمریکا دوام نیاورده است. حتی اگر یک دوره طولانی صعودی را بتوان مشاهده کرد، ارقام پائین‌تر که توسط سیاح ونیزی **جیاکوما سروانزو**^{۳۸} در مورد سود فلزات گران‌بها، چهار سال بعد از مشاهده دالساندری ارائه شده، می‌تواند نشانگر نوسان قابل ملاحظه آن در کوتاه‌مدت باشد.^{۳۹} همانند دیگر موضوعات مالی، بطور کلی در اینجا نیز اختلافاتی به چشم می‌خورد.

یک الگو که در طی زمان ثابت باقی ماند این بود که در پی ارزش گذاری بیشتر در شرق فلزات گران‌بها همگام با حرکت از غرب به شرق از ارزش فزاینده‌ای برخوردار شد. در مورد طلا این افزایش قیمت در مدیریتانه شرقی آغاز شد، همانطور که در یک یادداشت به تاریخ ۳۱ - ۱۱۳۰ هـ. ق / ۱۷۱۸ م. اشاره می‌شود دوکات در قبرس ۲۱۰، در سوریه ۲۲۰، در بغداد و بصره ۲۲۶ و در مکه ۲۴۰ پارا^{۴۰} ارزش داشت. در طول سده هفدهم، فرآیند مشابهی



سکه نقره شاه‌ی. ضرب قزوین شاه اسماعیل اول صفوی (۱۵۰۱-۲۴ م)



سکه نقره عباسی، ضرب تبریز (۱۱۳۱ هـ. ق.) شاه سلطان حسین (۱۱۳۵-۱۱۵۰ هـ. ق.)



سکه نقره، دوره شاه اسماعیل اول (۹۲۰-۹۰۷ هـ. ق.)



سکه نقره شاه‌ی، ضرب تبریز (۱۰۷۲ هـ. ق.) شاه عباس دوم (۱۰۷۷-۱۰۵۲ هـ. ق.)

را می‌توان مشاهده کرد. این فرآیند از زمانی که فلزات از طریق آناتولی شرقی وارد ایران شدند و تا زمانی که از طریق خلیج فارس، خارج گشتند، قابل مشاهده است. دوکات‌های ونیزی در اصفهان معمولاً به میزان یک و نیم محمودی بیشتر در مقایسه با شهرهای مرزی شمال غربی ایران فروخته می‌شد. و هر دوکات قبل از اینکه به بندرعباس، بندر عمده ساحل جنوبی برسد، نیم محمودی دیگر ارزش پیدا می‌کرد.^{۳۳}

با توجه به حجم نسبی تقاضا از هندوستان و فراوانی در غرب، این تضادها بیشتر می‌شد. بنابراین در سال ۱۱۲۲ هـ. ق (۱۷۱۶ م) ارزش دوکات در تفلیس ۱۲ محمودی بود.^{۳۴} در حالی که در بندرعباس ۱۵ محمودی بابت آن پرداخت می‌شد. در اصفهان همیشه هرسکه، نیم محمودی ارزانتر از بندر عباس بود.^{۳۵} صرفنظر از کسر بودجه عمومی شرق - غرب این امر صریحاً القاء می‌کند که مازاد تجارت ایران با امپراتوری عثمانی و روسیه، بیشتر از طریق کسر بودجه کشور با هند جبران می‌شد. هیچ تاریخ نگاری دقیقی را نمی‌توان برای حجم شمش که طی دوره‌ای بین قرن شانزدهم و هفدهم از طریق ایران می‌گذشت، معین نمود. اما تردیدی وجود ندارد که رشد ناگهانی واردات اروپا از آسیا در دهه ۱۰۰۹ هـ. ق / ۱۶۰۰ م. موجب افزایش

ایران بر سر چهارراهی بین قلمرو عثمانی و مغول قرار داشت با وجود این

اطلاعات صریح پیرامون نقش ایران در کالاهایی که بابت آنها شمش مبادله می‌شد تا قرن شانزدهم اندک است

حجم و سود تجارت شمش گردید. چنانکه قبلاً خاطر نشان گردید، جریان طلا و جواهرات دنیای جدید در میانه قرن شانزدهم و سپس توسعه تجارت دریایی غربی در مدیترانه شرقی طی اواخر همان قرن، نقل و انتقالات شمش را به لوانت دچار مشکل اساسی کرد. همه اینها موجب شد که کمپانی‌های دریایی جهت کالاهایی که در مدیترانه شرقی خرید کرده بودند، پول بیشتری پرداخت کنند. تشکیل کمپانی‌های هند شرقی اروپایی و شروع فعالیتشان از مسیر جدید دماغه امید نیک در اوایل دهه ۱۰۰۹ هـ. ق / ۱۶۰۰ م. روند افزایش حجم شمش را تداوم بخشید. روایت شده است که در اوایل قرن هفدهم ۲۰٪ مجموع طلا و نقره تولیدی دنیا احتمالاً به شرق صادر شده است. این میزان طی نیمه دوم همین قرن به ۲۵٪ رسید. هند به تنهایی ممکن است ۱/۷ طلای جهان را در این دوره جذب کرده باشد.^{۳۶}

بهر حال مسئله‌ای که با ارائه این اطلاعات مطرح می‌شود، مسئله حجم شمش نیست بلکه نسبت آن است که شامل میزانی از شمش می‌شود که از طریق تجارت لوانت در مقابل تجارتی که از مسیر دماغه امید نیک توسط کمپانی‌های دریایی تازه تاسیس شده بود، جریان داشت. این امر با پیوستن آنها به صادر کنندگان بومی فلز گران بها عملی گردید. بیشتر محققانی که در این زمینه به پژوهش پرداخته اند به این نتیجه رسیده‌اند که حجم مبادله طلا از همان راه قبلی، کماکان بیش از آن چیزی بود که از راه جدید انجام می‌گرفت.^{۳۷} صورت حساب‌های موجود در مورد پول‌های ارسالی از طریق تجارت لوانت بسیار کم و ناقص هستند، اما بطور قطعی نشان می‌دهند

که مبالغ قابل توجهی منتقل می‌شده است. محققان به نام آتامان^{۳۸} تخمین می‌زند که در قرن هفدهم هلندی‌ها به تنهایی، سالانه فلزات گران بهایی را که تقریباً یک میلیون ریگس دلار^{۳۹} ارزش داشت به لوانت می‌فرستادند. هلندی‌ها در این راستا تنها نبوده‌اند. انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها نیز در این جریان در مدیترانه شرقی سهمی داشتند.^{۴۰} در حقیقت حجم شمش که از معابر موجود خشکی حمل می‌شد، ممکن است به واسطه گسترش فعالیت‌های ارمینیان در تجارت ابریشم ایران بوده باشد. بازرگانان ارمنی که در اواخر دهه ۱۵۰۰ م. سهم غالبی در تجارت ابریشم بین ایران و لوانت به دست آورده بودند، در قرن هفدهم به بزرگترین وارد کنندگان پول مسکوک از امپراتوری عثمانی مبدل شدند. روایت شده است هر کاروانی از بازرگانان جلفا که از اروپا برمی‌گشت مبلغ ۲۰/۰۰۰ نقره اسکودی یا بیش از ۱۳۰۰۰ تومان با خود می‌آورد.^{۴۱} زمانی که روند تحویل محموله‌های بزرگ ابریشم به هلندیان متوقف شد و شمش تنها وسیله جایگزین برای پرداخت هزینه کالاهای وارداتی آنان گردید، صادرات مقادیر بسیار زیادی از طلای گران بها توسط کمپانی هند شرقی هلند از بندرعباس به سورات^{۴۲} از دهه ۱۶۴۰ م. آغاز شد. همه این جریان‌ها در تجارت کاروانی از طریق آناتولی سرچشمه می‌گرفت و از آنجا که تجارت خشکی ابریشم، به صورت جزئی تحت تأثیر تلاش‌هایی قرار گرفت که برای تغییر مسیر آن از طریق خلیج فارس به دماغه امید نیک می‌کوشید، لهذا مسیرهای انتقال شمش دستخوش تغییر و تحول قابل توجهی نگردید. در مورد طلا این نسبت شاید حتی بیشتر متمایل به مسیرهای موجود بوده باشد، گرچه مقداری نقره از طریق دماغه امید نیک مبادله شد. طلا کماکان در مقادیر بسیار از طریق لوانت و آناتولی حمل می‌شد.^{۴۳}

کارکرد طلا در ایران عصر صفوی

مطالب فوق الذکر شمای مختصری از جریان بزرگ شمش را که از لوانت از طریق آناتولی عبور می‌کرد با جریان کوچکتری که از روسیه نشأت می‌گرفت و از ایران عبور کرده به شبه قاره هند می‌رسید، ترسیم می‌کند. تصور می‌شود مقدار کمی از این شمش در ایران باقی می‌مانده است؛ سیاحان فرانسوی قرن هفدهم - ناظرانی که به عنوان گواه پیرامون نقش دولت صفوی در این قضیه بدانها استناد می‌شود - این باور را به وجود آورده‌اند که ایران در نقل و انتقالات شمش، صرفاً به عنوان پل ارتباطی عمل می‌کرده است. عبارت مختصر قدیمی که مکرراً به کار رفته و به طرز شیوا و رسا بیان شده است متعلق به رافائل دومان^{۴۴} است. مطابق نظر این نماینده سیاسی که مدت مدیدی در اصفهان اقامت داشت: «ایران شبیه کاروانسرای بزرگی بود که دو دروازه داشت یکی در طرف عثمانی بود که از طریق آن پول از غرب وارد ایران می‌شد... و دیگری بندر عباس یا گمبرون در خلیج فارس بود که محل خروج پول به طرف هند بود...»^{۴۵}

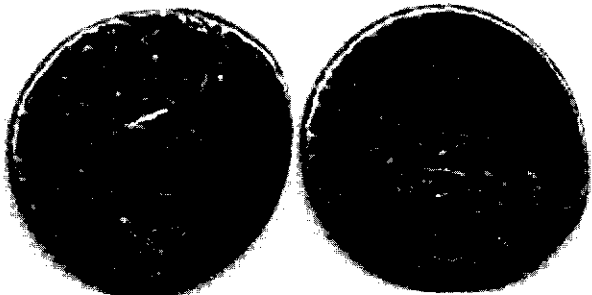
ما از این عبارات چه نتیجه‌ای می‌گیریم جز اینکه متقاعد شویم اقتصاد ایرانیان در مقایسه با دولت مغول ضعیف بود یا اینکه نهایتاً در سطح پائین‌تری از آن دولت قرار داشت. احتمالاً نظرهایی که در این زمینه وجود دارد، نباید اثرات انتقال پول از جمله تأثیرات انتقال طلا را بر اقتصاد صفوی مبهم گرداند. مدارک مقدماتی فراوانی جهت نشان دادن دخالت طلا در انتقال پول از غرب به شرق طی قرن هفدهم وجود دارد. سیاحان آن عصر از این ماجرا آگاه بودند با این وجود صریحاً یا تلویحاً عقیده غلطی را بوجود آوردند که طلا هیچ نقش مهمی در اقتصاد عصر صفوی ایفاء نکرد و بیشتر نقش تزئینی داشت و ارزش نگهداری آن تا حدی بر جریانات اقتصادی مؤثر بود. بازرگانان انگلیسی در سال ۳۶ - ۱۰۳۵ هـ. ق / (۱۶۲۶ م) ادعا کردند که طلای ضرب شده خیلی به ندرت مورد استفاده قرار می‌گرفت.^{۴۶} آدام اولناریوس در دهه ۱۶۳۰ م. اظهار داشت که طلا به ندرت جهت تجارت به کار می‌آید.^{۴۷} دو دهه بعد ژان باتیست تاورنیه^{۴۸} خاطر نشان ساخت که کار کرد

سکه‌های طلا بیشتر تشریفاتی بوده چنانکه این سکه‌ها فقط به مناسبت جلوس فرمانروای جدید ضرب می‌شد و پس از مراسم، بیشتر آنها تحویل صرافان می‌گردید. بنابراین طلاپول تجاری نبود و معمولاً مشاهده شده که صرفاً در اختیار وام‌دهندگان بود. چنانکه این سیاح فرانسوی اظهار می‌دارد، خودش یک بار مبلغ متناهی سکه طلا به عنوان طلب از بازرگانی دریافت کرده بود.^{۲۸}



سکه نقره عباسی، ضرب نخجوان (۱۰۹۷ ه. ق.) شاه سلیمان اول (۱۱۰۵-۱۰۷۷ ه. ق.)

شاردن با این مطلب که پول رایج، نقره بود، موافق است و با یکی دانستن عدم ضرب سکه طلا و عدم رواج آن، مدعی شد که طلا هیچ جایگاهی در حیات اقتصادی عصر صفوی نداشت. او در این مورد که مسکوکات طلا فقط هنگام جلوس شاه جدید ضرب می‌شدند با تاورنیه هم عقیده است.^{۲۹} پولت،^{۳۰} نماینده سیاسی فرانسه، سرانجام در دهه ۱۶۶۰م. مطالبی را که دیگران قبل از او ادعا کرده بودند، بیان نمود. او اظهار داشت از دوکات‌های طلا ظروف سلطنتی ساخته می‌شد. بدین طریق که به هنگام اضطرار - مثلاً برای زمان جنگ - سکه‌های دوکات را ذوب می‌کردند؛ در ایران طلای خیلی کمی را می‌توان مشاهده کرد.^{۳۱}



سکه شاهی - کمباج شاه اسماعیل اول (۹۲۰-۹۰۷ ه. ق.)

طلای مورد بحث، گرچه ضرورتاً طلای ایرانی نیست، با این حال نقشی بسیار مهمتر از آنچه که در این اظهارات بیان شده، در حیات اقتصادی صفویان ایفاء کرده است. قبل از هر چیز علیرغم نظر دومان بیشتر پولی که به ایران وارد می‌شد از جمله طلا در کشور باقی می‌ماند. طلا پشتوانه اصلی جریان منابع را به سوی خزانه سلطنتی تشکیل می‌داد. مقدار زیادی از طلا جهت بافت دبیت‌های زرری در کارگاه‌های سلطنتی یا ساختن گنبدهای طلایی مساجد یا بقاع متبرکه مصرف می‌شد.^{۳۲} همچنین طلا فلز پر مصرفی در ساختن لوازم سفره شاهان صفوی بود. اشتیاق شاه عباس جهت افزایش موجودی طلای خود از طریق گزارش یک فرانسوی روشن می‌گردد که اظهار می‌دارد به مردم پول داده می‌شد که دکات‌های خود را به ضرابخانه سلطنتی تحویل دهند. جایی که در آن سکه‌ها به ظروف طلایی مبدل می‌شدند. «عباس آشکارا ظروف طلایی بزرگ را به سکه‌های خرد ترجیح می‌داد چرا که بدین طریق آسانتر می‌توانست از مفقود شدن طلاهای خزانه جلوگیری کند.»^{۳۳} یکی از جانشینان شاه عباس، شاه سلیمان، (سلطنت ۶-۱۱۰۵ تا ۷۷-۱۰۷۶ ه. ق. / ۹۴-۱۶۶۶ م. چنانکه ادعا می‌شود در قصرش ۴۰۰۰ قطعه لوازم طلا داشت.^{۳۴} نهایتاً مقادیر زیادی طلا توسط شاه، صاحب منصبان درباری و کلاً ثروتمندان ذخیره گردید.^{۳۵}



سکه نقره شاهی، ضرب استرآباد (۹۳۶ ه. ق.) شاه طهماسب اول (۹۸۴-۹۳۰ ه. ق.)

رسم تقدیم خراج در قالب هدایا، هنگام سال جدید ایرانیان (نوروز) در ماه مارس، بیشترین طلا را وارد دربار می‌کرد. در این ایام تمام مقامات حکومتی مکلف بودند، پیشکش یا هدیه گران‌بهایی که دارای ارزش مشخصی بود به شاه تقدیم کنند. ارزش خراج پرداختی را می‌توان از روی نمونه‌ای که توسط یک حاکم ایالتی (بیگلربیگی) پرداخت شده است تخمین زد. این مبلغ می‌توانست ۲۰۰۰ تومان باشد، همچنین از دعوایاتی که توسط سیاحان مختلف مطرح شده است بر می‌آید که پادشاهان صفوی بخش قابل توجهی از درآمد خود را از همین هدایای نوروز بدست می‌آوردند.^{۳۶}



سکه نقره عباسی، ضرب تبریز (۱۱۰۴ ه. ق.) شاه سلیمان اول (۱۱۰۵-۱۰۷۷ ه. ق.)

تاجگذاری شاه جدید موقع مناسب دیگری جهت اهدای طلا بود. از همین رو رئیس جامعه ارمنی اصفهان مبلغ ۱۵۰ تومان سکه طلا (تقریباً ۱۲۰۰ دوکات) نثار قدوم شاه جدید، شاه صفی اول نمود که در سال ۳۹-۱۰۳۸ ه. ق. / ۱۶۲۹ م. بر سریر سلطنت جلوس کرده بود.^{۳۷} از سوی دیگر جلوس شاه جدید حاکی از این است که جریان طلا یک طرفه نبود بلکه دوباره توزیع می‌گردید. در همان موقع جلوس شاه جدید رسم بود که با بخشش مبالغی از اشکال مختلف دوکات، مردم را مشعوف می‌کردند. هنگامی هم که شاه از یک بیماری شدید عافیت می‌یافت همین اقدام صورت می‌گرفت.^{۳۸}

مهمتر اینکه طلا در بازار نقش با اهمیتی داشت. جایی که طلا پذیرفته

شده بود و ارزش آن با همتایش نقره، پیوند خورده بود. به عبارت دیگر طلا طی قرن هفدهم «فلز دیگری» بود که در جریان معاملات پولی همزمان با اشتیاق روز افزون حیات اقتصادی برای پول نقد، به تدریج رایج می‌شد. کمبود پول نقد که شاکلهٔ اوضاع اواخر عصر صفوی است تقاضایی برای پول رایج به وجود آورد که این خود ارزش مبادله‌ای قطعه ضرب شده و سکه را هم افزایش داد. تجاری که در بازار ایران فعالیت می‌کردند کاملاً از ارزش مبادله‌ای شمش طلا و سکه آگاه بودند و به کرات در مورد آن اظهار نظر می‌کردند و معادل آن را با نقره بیان می‌نمودند. زمانی که کمبودها به مرحله بحرانی می‌رسید، ارزش ذاتی تمامی پولها کاملاً بی‌اهمیت می‌شد، مع هذا با توجه به اینکه بالاخره یک انتخابی باید صورت می‌گرفت چنین می‌توان فرض کرد که بازرگانان ترجیح می‌دادند فلزی را که از همه فلزات از ثبات و اطمینان بیشتری برخوردار بود انتخاب کنند، که معمولاً این فلز مطمئن و با ثبات، طلا به شکل دوکات‌های ونیزی بود. عرضه بهتر و قرنها ثبات، چنان تقاضایی در آسیا برای دوکات‌های ونیزی پدید آورده بود که انواع دوکات‌های هنگری و عثمانی با وجود گستردگی رواجشان رقیب آنها نبودند.^{۳۰} ناظران آن

اطلاعات مربوط به مبادلهٔ شمش فقط با به قدرت رسیدن سلسله صفوی ۱۱۴۸-۹۰۷ ه. ق / ۱۵۰۱-۱۷۳۶ م و به اتکاء منابع پرتغالی که اطلاعاتی

راجع به داد و ستد شمش بین ایران و هند از راه دریایی ارائه می‌دهند، کاملتر می‌شود

عصر این مطلب را در اظهارات خود تأیید می‌کنند که بر خلاف نقره که تنها در زمان کمبود شدید پول به وسیله مبادله تبدیل می‌شد، طلا همواره به عنوان یک کالا در بازار پذیرفته می‌شد.^{۳۱}

طلا به طور فزاینده‌ای به فلز منتخب تاجران تبدیل شد که در تجارت بین‌المللی و دوردست، از میانه تا اواخر قرن هفدهم در ایران فعالیت می‌کردند. این تحول تا اندازه‌ای به ساختار ضعیف بازار ایران مربوط می‌شد که باعث گردید بازرگانان تمایل کمتری داشته باشند که جهت پرداخت پول برای کالاها از شمش استفاده کنند که می‌توانست با منفعت بیشتری صادر شود. یک واکنش مناسب نسبت به این اوضاع، فعالیت‌های کمپانی هند شرقی هلند در ایران بود. هلندیها با ترسیم چشم انداز سودمند ابریشم در مقابل تجارت ادویه، در اوایل دهه ۱۶۲۰ م. یک موافقت نامه تجاری با شاه عباس اول امضا کردند که براساس آن هلندیها ملزم شدند سالانه مقدار ۶۰۰ عدل^{۳۲} ابریشم از دربار سلطنتی ایران بخرند. به هرحال با گذشت زمان. سقوط قیمت ابریشم در اروپا و تیرگی رابطه با دربار صفوی، جذابیت این قرارداد را بیش از آن چیزی که در ابتدا به نظر می‌رسید کاهش داد. هلندیها به جای آنکه به اندازه تعیین شده در قرارداد خرید کنند، سریعاً تمامی تلاش خود را به کار بستند تا میزان خرید را به حداقل برسانند. در اوایل دهه ۱۶۴۰ م. آنها شروع کردند تا عایدات کالایی را که در ایران فروخته و با آن ابریشم خریده بودند به صورت مسکوکات به هند بفرستند. ابتدا تمام این وجوه ارسالی به شکل نقره رایج، عمدتاً عباسی - بود. به هرحال با اشرف بر سودمندی طلا، کمپانی هند شرقی هلند در دهه ۱۶۵۰ م. شروع به صدور طلا کرد.^{۳۳} به

تدریج تناسب طلائی که هلندیها به هند فرستادند، خواه آنچه که به حساب خودشان بود خواه آنچه که به شکل محموله برای شخص ثالث حمل می‌کردند، افزایش یافت تا اینکه در اواخر قرن هفدهم طلا بخش عمده آن چیزی را که به شبه قاره هند منتقل می‌کردند، تشکیل می‌داد.

عوامل متعدد افزایش تناسب طلا در این جریان، پیچیده هستند و تعیین اهمیت نسبی عوامل متعدد مشکل است. افزایش تقاضا در هند، جایی که نسبت طلا به نقره از حدود ۱/۱۰ در دهه ۱۶۲۰ م. به حدود ۱/۱۴ در دهه ۱۶۳۰ م. افزایش یافت، باید قطعاً به عنوان اصلی‌ترین عامل به حساب آورده شود. تحولات داخلی در ایران هم نقشی را ایفاء کرده است. افزایش روز افزون بی‌اعتباری نقره رایج دولت صفوی که خود رابه شکل توزیع گسترده سکه نشان می‌داد و از لحاظ وزن و عیار متغیر بود، به وضوح به جذابیت طلا کمک کرد. طلا در سه دههٔ آخر قرن هفدهم بخشی از اعتبار خود را از دست داد و این بر اثر کمبود نقره بود و این کمبود خود ناشی از کاهش واردات نقره از امپراطوری عثمانی بود و این امر بسیاری از ضرابخانه‌های ایران را در آن زمان به تعطیلی کشاند.^{۳۴} با وجود این، تأثیر منفی این جریان بر قیمت و محبوبیت طلا ناچیز بود و این امر عمدتاً ناشی از تقارن این دوره با کاهش اعتماد به نقرهٔ ایران بود و به هرحال این وضعیت موقتی بود زیرا تا آخر قرن قیمت طلا مجدداً رو به افزایش نهاد.

سیاست حکومتی در ایران به اندازه خود به تداوم جذابیت طلا، حتی در مواقعی که نقره کمیاب بود کمک کرد. بسان اکثر دولتهای پیش از دوران مدرن (اسلامی) و اوایل دوران مدرن، برای دولت صفوی هم ضرب سکه با حقانیت و قدرت دولت مرتبط بود علیهذا این بدان معنی نیست که صرفاً سکه‌های صفوی در قلمرو صفویان جریان داشت بخصوص در میان بازرگانان و صرافان پول رایج دولت صفوی در قالب محمودی و عباسی با مقادیر زیادی از سکه‌های خارجی من جمله سکه هشت عیاری اسپانیولی، دلار شیر نشان، دانزیک ۱۶ کروزر^{۳۵} و دوکات‌های ونیزی در جریان بود. مداخلهٔ حکومت در گردش این پولها صرفاً محدود به تلاش‌هایی بود جهت سرآزیر کردن بیشترین مقدار ممکن از این پولها به خزانه دولت و یا منحصر به تلاشهایی می‌شد که مسئولان ضرابخانه‌هایی از ضرب دوباره سکه‌های خارجی سود می‌بردند.

بنابراین به لحاظ نظری شمش و سکهٔ وارداتی از امپراطوری عثمانی می‌بایست به ضرابخانه‌های مرزی برده شده و در آنجا مجدداً به صورت سکه‌های صفوی ضرب می‌شد. بهر حال از آنجا که رویه ضرابخانه‌ها بدین منوال بود که از ارزش سکه‌های خارجی که وارد ضرابخانه می‌شد بکاهند تا بتوانند آنها را مجدداً به صورت سکه‌های رایج دولت صفوی ضرب کنند، لذا فقط سهم ناچیزی از طلا (یا نقره) ای که در گردش بود واقعاً در مدار اقتصاد دولتی قرار می‌گرفت. بنابراین عملاً دستگاه حکومت در اصفهان تلاش ناچیزی انجام می‌داد و به هرحال قادر هم نبود که تکثیر مسکوکات از منابع متعدد را کنترل کند. تنها تدبیر واقعی که گهگاهی توسط دولت صفوی در قرن هفدهم اتخاذ می‌گردید شامل تدابیر محدود کننده بود. این تدابیر از دریافت عوارض از شمش‌های صادراتی گرفته تا منع مستقیم صادرات را در بر می‌گرفت و این راهکارهایی بود که دولت بدین ترتیب می‌توانست جریان پول را کنترل کند. به هرحال محدودیت بر صادرات هیچگاه بخشی از یک سیاست پولی جامع نبود. بدین معنی که این تدابیر هرگز در ارتباط با تدابیری از قبیل قیمت‌های بالاتر ضرب پول صورت نمی‌گرفت. در نتیجه قیمت‌های بازار گرانتر و خروج غیر قانونی سرمایه رو به افزایش بود.

صادرات طلا بیش از صادرات نقره از نظارت‌های حکومتی برخوردار بود. به عنوان مثال از تأثیر حکم منع صادرات شمش می‌توان یاد کرد که توسط شاه عباس دوم در سال ۱۰۵۶ ه. ق / ۱۶۴۶ م. در پاسخ به افزایش فعالیت‌های صادراتی شمش هلندیها و انگلیسها صادر شد. این حکم باعث گردید که بازرگانان به خاطر مسائل حمل و نقل، طلا را به نقره ترجیح دهند.

طلا به خاطر ارزش زیاد آن می‌توانست در کمیته‌های بالنسبه کوچک حمل و نقل شود و در نتیجه راحت تر می‌توانست از بازرسی‌های حکومت هم که با رشد فزاینده صادرات شمش برخوردار می‌کرد، در امان باشد.^{۳۳} از دیگر نتایج منفی این حکم می‌توان به عوارض پنج درصدی اشاره کرد که دولت در سال ۱۰۸۲ - ۸۳ هـ. ق / (۱۶۷۲ م) بر صادرات نقره وضع نمود که به عقیده نمایندگان نگران کمپانی هند شرقی هلند که پنج سال بعد خاطر نشان ساختند، از زمان اعمال این حکم، نقره به شدت کمیاب شد.

مسلمانان عثمانی و بازرگانان ارمنی که سابقاً مقادیر زیادی نقره از قلمرو عثمانی وارد می‌کردند متحصراً به تجارت طلا پرداختند، چرا که می‌توانستند آنها را به قیمتهای ۱/۴ تا ۱۵ تا ۱۶ محمودی به بازرگانان هندی که مشتاق بدست آوردن شمش صادراتی بودند بفروشند.^{۳۴} یک گزارش هلندی در سال ۱۱۰۶ - ۰۲ هـ. ق / (۱۶۹۰ م) اطلاعات مبسوطی در خصوص نقش طلا به عنوان پول بین‌المللی در اواخر قرن هفدهم و جایگاه آن در نظام پولی بازار ایرانیان ارائه می‌دهد. اولین نکته مهمی که خاطر نشان می‌سازد این است که غیر از نقره محمودی، تمام سکه‌ها مانند کالاهای در گردش بودند و همواره قیمت آنها با فراز و نشیب همراه بود. محمودی به خاطر اینکه به عنوان یک وسیله مبادله در تجارت دور دست کاربرد داشت، تا حدی از این وضعیت مستثنی بود. بطور نمونه یک بازرگان خارجی معمولاً کالاهای خود را جهت بدست آوردن دوکات می‌فروخت. او بعداً با پولی که بدست آورده بود هر کالای محلی را که می‌خواست بخرد بایستی با محمودی می‌خرید. بنابراین همان بازرگان مجبور بود که دوکات‌های خود را به محمودی تبدیل کند. این گزارش می‌افزاید که بانیان^{۳۵} وام ده اصفهان به اندازه کافی زیرک بودند که با پرداخت نرخ پائین تصنیعی برای دوکات‌هایی که می‌خریدند از این وضعیت سود ببرند. اما از طرفی اگر بازرگانان قصد داشتند برای صادرات کالای خود دوکات بخرند همان صرافان نرخهای بسیار گرانتتری که توسط بازار تعیین می‌شد، مطالبه می‌کردند. لازم به توضیح است که صادرات محمودی مقرون به صرفه نبود، زیرا ذوب کردن آنها موجب ضرر می‌شد.^{۳۶} به عنوان بخشی از این تقاضا برای سکه طلا، کارگزاران کمپانی هند شرقی هلند از اوایل دهه ۱۶۹۰ م. روند ارسال بیشتر عواید خود را از بندرعباس به اصفهان با برات^{۳۷} انجام دادند. در اصفهان برات‌ها را به دوکات طلا تبدیل می‌کردند. قیمت این دوکات‌های طلا در اصفهان نیم تا یک محمودی ارزانتر از سواحل خلیج فارس بود. هلندیان مدعی بودند که این رویه برای طرفین سود متقابل دارد. آنها خودشان از خرید دوکات‌هایشان که ارزانتر از سواحل خلیج فارس می‌خریدند، سودمند می‌شدند حال آنکه تجار غیر بومی از حمل و نقل شمش از اصفهان به سواحل خلیج فارس برحذر داشته می‌شدند. دلال کمپانی هند شرقی هلند یک درصد به خاطر کنترل مسکوکات از جهت خالص بودن دریافت می‌کرد و در عوض هر نوع سکه تقلبی را خودش برمی‌داشت.^{۳۸}

جدول شماره ۱

میزان طلایی که هلندیان در سال ۱۶۹۸ - ۱۷۰۵ م. از ایران به هند فرستاده‌اند.

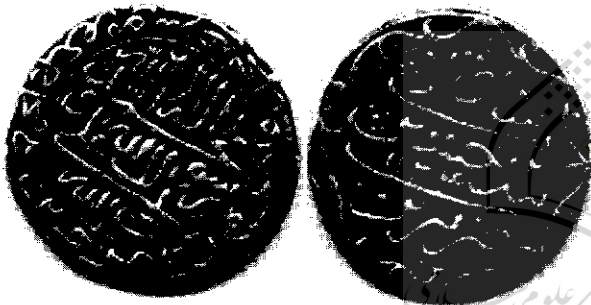
سال	دوکات
۱۱۱۰ - ۱۱۱۱ هـ. ق / ۱۶۹۸ - ۹۹ م	۷۳۰۰۰
۱۱۱۰ - ۱۱۱۲ هـ. ق / ۱۶۹۹ - ۱۷۰۰ م	۱۴۵۰۰۰
۱۱۱۲ - ۱۱۱۳ هـ. ق / ۱۷۰۰ - ۰۱ م	۱۱۱۰۰۰
۱۱۱۳ - ۱۱۱۴ هـ. ق / ۱۷۰۱ - ۰۲ م	۷۱۰۰۰
۱۱۱۴ - ۱۱۱۵ هـ. ق / ۱۷۰۲ - ۰۳ م	۱۵۱۰۰۰
۱۱۱۵ - ۱۱۱۶ هـ. ق / ۱۷۰۳ - ۰۴ م	۱۲۶۰۰۰
۱۱۱۶ - ۱۱۱۷ هـ. ق / ۱۷۰۴ - ۰۵ م	۱۴۶۰۰۰



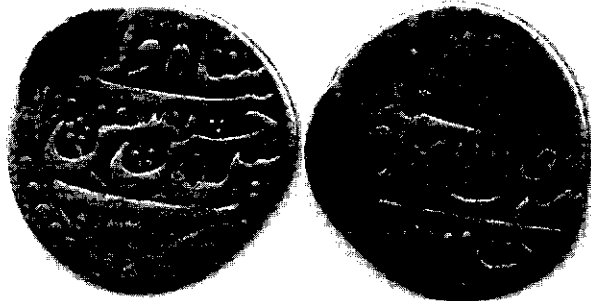
سکه طلا، ضرب اصفهان - شاه سلطان حسین (۱۱۳۴ هـ. ق)



سکه نقره عباسی، ضرب مشهد ۱۱۳۴ هـ. ق دوره صفوی، شاه طهماسب دوم



سکه عباسی، ضرب تبریز، ۱۱۳۴ هـ. ق دوره صفوی، شاه سلطان حسین (۱۱۳۵-۱۱۰۵ هـ. ق)



سکه نقره عباسی، ضرب تفتیس، ۱۱۳۱ دوره صفوی، شاه سلطان حسین (۱۱۳۵-۱۱۰۵ هـ. ق)

منبع:

این اطلاعات متنوع پیوند و ارتباط طلا و نقره را در قلمرو صفویان اثبات می‌کند. همچنین نقشی را که به عنوان واحد اندازه‌گیری و تأمین موجودی طلا در عرصه بازرگانی ایفاء کرده است و نقش محوری وام دهندگان را به عنوان واسطه در نظام صرافی و تنزیلات که بازار مبتنی بر آن بوده است، روشن می‌سازد. گزارش موجود در جدول فوق الذکر اشاره نمی‌کند که امکان خرید دوکات صرفاً به پذیرش نقره محمودی در بازار بستگی داشت. هلندیها برای اینکه خطر مالکیت دوکاتها را به حداقل برسانند در اواخر قرن ۱۶۰۰ م. سیاست تلاش برای دریافت مقادیر زیادی محمودی را در ازاء کالاهايشان با میزان پول نقدی که کمپانی جهت خرید نیاز داشت مطابقت دادند و سعی کردند برای پرداخت مابقی خریدهایشان از دوکات استفاده کنند.^{۴۴} در اوایل سال ۱۱۰۱ - ۱۱۰۲ ه. ق / ۱۶۹۰ م. کمپانی هند شرقی هلند موفق شد در ازاء فروش بهاره‌اش در بندر عباس ۲/۳ دوکات سنگین اروپایی ۱/۳ محمودی رایج، دریافت کند.^{۴۵} در سال ۱۱۰۷ ه. ق / ۱۶۹۶ م. سرانجام این شایعه که سکه محمودی قرار است نصف ارزش رسمی خود را از دست بدهد - که مسلماً این شایعه منجر به

سکه‌های خارجی از ریال اسپانیولی گرفته تا لیونالد (دلار شیرنشان) هلندی به وفور در قلمرو صفویان رایج بود و برای تجارت در مناطق دور دست کشور در کنار سکه نقره عباسی و محمودی (دو شاهی) - دو سکه نقره اصلی عصر صفوی - طی قرن هفدهم به کار می‌رفت

تبدیل آن به سکه غیر رایج می‌گردید - نگرانی بازرگانان را برانگیخت که از پذیرش محمودی خودداری کردند مغازه‌ها در چنان وضعیتی یکباره تعطیل شدند و فقدان سکه محمودی امکان خرید سکه طلای صادراتی را منتفی ساخت.^{۴۶}

نتیجه این تحول افزایش وجوه ارسالی هلندیها، به صورت مسکوکات مختلف و به وی دوکات به کارخانه‌هایشان در هند بود. (جدول ۱). صرفنظر از اینکه نمی‌توانستند تمام عایدات خود را در بازار ایرانیان که ارزش صادراتی کمی داشت - مصرف کنند امنیتی که طلا ایجاد کرده بود، برای چنین انتقالی از تمام موارد دیگر اهمیت بیشتری داشت و الزاماً سود آور نبود.

در واقع خساراتی که اغلب بر تمام جریانات وارد می‌آمد طلائی را هم که به مالابار^{۴۷} فرستاده می‌شد در برمی‌گرفت. در سال ۱۰۹۹ - ۱۱۰۰ ه. ق / (۱۶۸۸ م) و سال ۱۱۰۰ - ۱۱۰۱ ه. ق / ۱۶۸۹ م. به عنوان مثال، سندی که از مالابار برای خسارات مسکوکات ارسالی از بندرعباس فرستادند، به میزان ۱۱۶۸۸۲۱۰۱۵ بالغ می‌شد.^{۴۸} و در سال ۱۱۰۱ - ۱۱۰۲ ه. ق / ۱۶۹۰ م. دوکات ۶ گیلدر^{۴۹}، ۱۶ استیور^{۵۰} هلندی در ایران ارزش داشت در صورتی که قیمت آن در جزیره سیلان ۶/۱۵ گیلدر (فلورن هلندی) بود، حال آنکه در مالابار فقط ۶ گیلدر ارزش داشت.^{۵۱}

۲- قیمت طلا

الف: نوسان کوتاه مدت

چنانکه قبلاً مشاهده گردید بازرگانان کاملاً از جایگاه رفیع طلا در بازار اصفهان آگاه بودند. به هر حال موضوع مهم، یعنی، نرخ معاوضه مشخص نبود، و پی‌گیری آن مستلزم پی‌گیری دقیق نوسانات روزانه بازار بود.^{۵۲} هلندیان که به عنوان صادرکنندگان عمده پول بیشتر در معرض خطر قرار داشتند تماس روزانه خود را با صرافانی که با آنها سرو کار داشتند حفظ کردند. با این حال جهت احتراز از اتکای صرف به این منبع اطلاعاتی، نماینده کمپانی هند شرقی هلند در اصفهان نیز در رابطه تنگاتنگی با بعضی از بازرگانان برجسته ارمنی خاطر نشان می‌سازد که سرو کار داشتن با تجارت عثمانی سبب شد آنها از قیمت شمش که از عثمانی می‌آمد، بیش از همه آگاهی داشته باشند.

نوسان قیمت روزانه پول در بازار اصفهان متأثر از عوامل زیادی بود. این عوامل را می‌توان تحت عناوین گوناگونی دسته بندی و معین کرد و ابتدا از عرضه و تقاضا شروع نمود در میان آنها سلسله عواملی که با اقتصاد بومی و شرایط سیاسی مربوط می‌شوند و عواملی که ماهیت خارجی دارند باید تمییز داده شوند. همچنین بین عوامل دوره‌ای و تصادفی باید تمییز بیشتری قائل شد. عوامل آخری که باید بدان اشاره شود، نقش نیروهای بازار و مداخلات دولت و قوانین دولتی است.

تأثیر عوامل بومی بر شمش، قیمت و رواج آن در بازار، عمدتاً به تقاضا بستگی داشت و ماهیتا کوتاه مدت بود. بعضی عوامل بومی، فصلی بودند و از این رو می‌توانستند پیش بینی شوند (گرچه هرگز نمی‌شد روی آنها حساب باز کرد). در حالی که عوامل دیگر یا به خاطر اینکه درگیر نوسانات بازار بودند و یا به علت اینکه وقوع آنها نمی‌توانست پیش بینی شود، غیر قابل پیش بینی بودند.

برجسته‌ترین عامل فصلی که مخصوصاً بر قیمت طلا تأثیر می‌گذاشت، مراسم اهداء هدایا در عید نوروز بود. حجم تقاضا جهت گردآوری فلز گران بها به اندازه‌ای بود که فرارسیدن فصل بهار همواره قیمت طلا را افزایش می‌داد.^{۵۳}

دومین عامل تمایل همیشگی ثروتمندان و قدرتمندان به اندوختن طلا و نقره بود. تأثیرات این رویه را صرفاً بر قیمت‌ها و جریان طلا می‌توان حدس زد، چرا که منابع فقط گاهگاهی به این قضیه اشاره می‌کنند، بدون اینکه میزان تأثیرش را بر قیمت‌های بازار روشن نماید. (نهایتاً اینکه در دوران کمیابی، رقابت جهت تحصیل طلای کمیاب) سبب می‌شد که دوکات‌های گران، گرانتر شوند.^{۵۴}

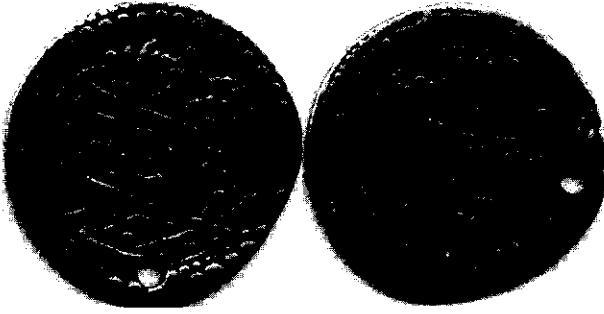
سرانجام یکی از عوامل بسیار جالب افزایش تقاضا و قیمت طلا، زیارت سالیانه حج و تا حد کمتری زیارت اماکن متبرکه شیعی (عبتات) در نجف و کربلا، (واقع در بین النهرین) بود. با شروع ایام زیارت‌های آنها که قصد داشتند سفر دراز مدت یک ساله به شبه جزیره عربستان انجام دهند مقدار زیادی طلا خریداری می‌کردند، زیرا این تنها پولی بود که جهت حمل به نقاط دور دست بسیار مناسب بود. نتیجه این اقدام افزایش قیمت بود، این رویه مختصراً در توصیف تاورنیه مورد اشاره قرار گرفته است که دوکات در ایام زیارت می‌بایست خریداری می‌شد و قیمت آن تا ۲۷ و ۲۸ شاهی (۲/۳) و ۱۳ و ۱۴ محمودی) افزایش می‌یافت.^{۵۵} همان منبع خاطر نشان می‌سازد که زیارت مکه و مدینه چیزی غیر از دوکات طلا نیاز نداشت. وجود این دوکات‌های طلا جهت پرداخت عوارض راهداری به اعراب و ترکها و همچنین برای مصرف صدقات و خیرات در زیارتگاه‌ها ضروری بود.^{۵۶} زوآر هم از طریق بصره یا بغداد عبور می‌کردند، جایی که آنها شترانی می‌خریدند - که بعداً هنگام برگشت آنها را به قیمت بسیار نازلتری می‌فروختند - و مبلغی را نیز می‌پرداختند که به صحت و سلامت عبور کنند. جین دی تونو^{۵۷}

فرانسوی خاطر نشان می‌سازد که هر زائر ۳۵ دوکات زیان می‌پرداخت.^{۳۵} مشخص نیست طلائی که زوار با خود به حج می‌بردند طلای ونیزی یا عثمانی یا هر دوی آنها بوده است.

شاه عباس دقیقاً جهت جلوگیری از تأثیر زیانبار فرار سرمایه که با زیارت سالانه حج صورت می‌گرفت، احترام به امام‌رضا (ع) و زیارت آرامگاهش را در مشهد مقدس تشویق می‌کرد.^{۳۶} این تلاش که از خلال منابع آشکار می‌شود احتمالاً کارکرد کوتاه مدتی داشته و از موفقیت کاملی برخوردار نبوده است. در دوره جانشینان شاه عباس اول، زیارت مکه از سوی انبوهی از مردم از سر گرفته شد. شاردن می‌نویسد که بیش از ۱۰۰۰۰ نفر هر ساله عازم عربستان می‌شوند.^{۳۷} در دوره سلطنت شاه عباس دوم و شاه سلیمان برای مدتی از صدور اجازه حرکت زوار به سوی عربستان خود داری شد. اما این اقدام بیشتر به خاطر بدرفتاری مکرر با زوار در قلمرو عثمانی بود تا در نظر گرفتن مسائل پولی و مالی.^{۳۸}

عرضه و قیمت شمش در ایران عصر صفوی مهمتر از همه، توسط عوامل خارجی تحت تأثیر قرار می‌گرفت. گر چه عوامل خارجی بودند اما کاملاً غیر قابل پیش بینی نبودند. بی‌ثباتی‌های کوتاه مدت تا حدی دوره‌ای بوده و با ماهیت فصلی بازرگانی دور دست هم در خشکی و دریا مرتبط بودند. شایعه نزدیکی کاروان غنی عثمانی که معمولاً در پایان یا اوایل زمستان حرکت می‌کرد، باعث سقوط ناگهانی ارزش سکه در اصفهان می‌شد.^{۳۹} از طرف دیگر شک و تردیدی که حول و حوش تجارت کاروانی دور دست را احاطه کرده بود، مرتباً موجب بروز شایعات و حدسیاتی می‌شد که در نهایت خود این شایعات به عوامل تعیین کننده قیمت تبدیل می‌شدند. نواحی مخاطره آمیز، اوضاع نامساعد اقلیمی و ارتباطات ضعیف همگی نقش مهمی را در این مورد بازی کرده‌اند. در جامعه‌ای که در آن موجی از شایعات معمولاً پیش از اخبار موثق پراکنده می‌شد، این شایعه و احتمال - نه اطمینان - که کاروانی بزرگ از تبریز حامل مسکوکات است باعث کاهش قیمت دوکات در اصفهان می‌شد. بر عکس هر گونه تأخیر در ورود کاروانهایی از تبریز که مردم چشم به راه آنها بودند موجب افزایش قیمت می‌شد. جنگ یا تهدید جنگ نیز همان تأثیر را داشت. بنابراین در سال ۱۰۸۵ هـ. ق / ۱۶۷۴ م. شایعاتی در مورد جنگ قریب الوقوع بین عثمانی‌ها و صفویان بسیاری از بازرگانان عثمانی را از اینکه با پول نقد به ایران بیایند بر حذر داشت.^{۴۰} از آنجا که فلزات گران‌بهای مورد استفاده در ایران از طریق امپراطوری عثمانی وارد می‌شد، طبیعتاً قیمت و موجودی طلا و نقره تا حد زیادی به میزان عرضه از طریق مرزهای شمالی و شمال غربی بستگی داشت. عرضه هم به نوبه خود به شرایط سیاسی و اقتصادی در هر ناحیه‌ای که در اطراف ایران یا حتی غرب آسیا واقع شده بود بستگی داشت. در واقع شرایط مناطقی به دوری اروپا هم تأثیر مشخصی بر قیمت و موجودی پول مسکوک در ایران داشت. به عنوان مثال، قیمت بالای طلا در اوایل دهه ۱۶۷۰ م. ممکن است تا حد زیادی متأثر باشد از ممنوعیت ضرب یا صادرات دوکاتهایی که ونیز در سال ۸۱ - ۱۰۸۰ هـ. ق / ۱۶۷۰ م. به منظور تشویق صادرات کالا به جای شمش منتشر می‌کرد. در سال ۱۰۸۷ هـ. ق / ۱۶۷۶ م. حکم ممنوعیت لغو گردید و نتیجه آن از سرگیری صادرات شمش و اشباع و تثبیت تقاضا در شرق گردید که انعکاس مشابهی در ایران داشت.^{۴۱}

جنگ و آشوب سیاسی همیشه عامل تسریع کننده افزایش قیمت طلا بود. مهمترین مسئله در این مورد وضع سیاسی و اقتصادی امپراتوری عثمانی و به‌ویژه نواحی مرزی آناتولی شرقی بود. آشوب سیاسی یا موج راهزنی در بخش‌های ناآرام آناتولی موقتی و محدود بود، لذا نمی‌توانست رفت و آمد کاروانها را قطع نماید و مانع رسیدن مبالغ قابل توجهی طلا و نقره به مرزهای ایران و متعاقباً ایجاد تأثیراتی بر اوضاع بازار پولی اصفهان شود. این آن چیزی است که در سال ۱۰۸۴ هـ. ق / ۱۶۷۳ م. برای کاروانهای



سکه نقره عباسی، ضرب تبریز (۱۱۳۵ هـ. ق) دوره صفوی، شاه طهماسب دوم



سکه نقره عباسی، ضرب مشهد، ۱۱۴۴ هـ. ق دوره صفوی، شاه طهماسب دوم (۱۱۴۲-۱۱۳۵ هـ. ق)



سکه نقره عباسی - ۱۱۱۹ هـ. ق دوره صفوی، شاه سلطان حسین (۱۱۳۵-۱۱۰۵ هـ. ق)



سکه نقره عباسی، ضرب مشهد، ۱۱۴۲ هـ. ق دوره افشاریه، نادرشاه به عنوان نایب سلطنت

غنی عثمانی اتفاق افتاد که در نزدیکی توقات^{۱۳۳} گرفتار دزدان بزرگراه‌ها شدند.^{۱۳۴} همین طور یکی از عللی که گفته می‌شود بر کمیابی و قیمت بالای همیشگی دوکات و ریال از اواسط تا اواخر دهه ۱۶۹۰ م. تأثیر داشت وجود ناآرامی و جنگ‌هایی در نواحی ترانزیت امپراطوری عثمانی و بخش‌هایی از شبه جزیره عربستان بود. در اینجا هم شرایط مناطق دور دست بر اوضاع تأثیرگذار بود. در سال ۱۱۱۴ - ۱۵ هـ. ق / ۱۷۰۳ م. طی جنگ جانشینی اسپانیا^{۱۳۵} در اروپا، قیمت دوکات در اصفهان تنها به خاطر شایعه‌ای که قرار است صادرات از اروپا متوقف شود، افزایش یافت.^{۱۳۶}

مرزهای باز و رشوه‌های اداری، تأثیر محدودیت‌ها و نظارت‌ها را کاهش می‌دادند، اما قیمت‌ها معمولاً تحت تأثیر قرار می‌گرفتند؛ از این رو اعلامیه منشور جدید تجارت در روسیه در سال ۱۰۷۷ - ۷۸ هـ. ق / ۱۶۶۷ م. که مالیات بازرگانان خارجی را با نقره و طلا دریافت می‌کردند آنها را بر آن داشت بجای اینکه این فلزات گران‌بها را از کشور خارج کنند، از خارج به روسیه وارد نمایند. این کار به آرامی صورت گرفت گرچه به هیچ وجه جریان واردات فلز گران‌بها از روسیه به ایران متوقف نشد.

در واقع ضرب سکه طلا در ایران تقریباً در اواسط دوره سلطنت شاه عباس اول متوقف گردید و تا دهه پیش از سقوط اصفهان و افول ستاره اقبال دولت صفوی در سال ۱۱۳۴ - ۱۱۳۵ هـ. ق / ۱۷۲۲ م هیچ سکه طلایی ضرب نشد

نمونه دیگری در این زمینه وجود دارد اما به لحاظ اینکه حجم زیادی را شامل می‌شود، بیشتر جلب توجه می‌کند، و آن اقداماتی است که عثمانی‌ها جهت خنثی سازی جریان پول در ایران انجام دادند. ممنوعیت‌های صادرات شمش عثمانی به اوایل قرن شانزدهم باز می‌گردد.^{۱۳۷} در آغاز قرن هجدهم کمبود زیاد شمش به واسطه صادرات مقادیر زیادی مسکوکات، استانبول را بر آن داشت که تدابیر مشابهی اتخاذ نماید. نماینده انگلیس در حلب در سال ۱۱۰۸ - ۰۹ هـ. ق / ۱۶۹۷ م. اقدام بازرگانان ارمنی را در حمل تمامی دلارهای شیر نشان و دوکات‌ها به ایران، برای اقتصاد عثمانی خیلی مضر دانست و ادعا کرد که این اقدام باعث شد که قیمت سکه از ۳ تا ۴٪ افزایش یابد.^{۱۳۸} عثمانیها در واکنش به این اقدام هوشیارتر عمل کردند و احتمالاً به تحریک تجار بومی جهت محدودیت صادرات شمش، به اقداماتی دست زدند. حسادت نسبت به ارمنیان ایران باعث شد که آنها باب عالی را از ضرری که بواسطه صدور مداوم طلا و نقره به ایران، متوجه خزانه سلطان شده است، مطلع نمایند و خواستار تحریم صادرات گردند. فرمان ممنوعیت صادرات بی درنگ صادر شد، اما به علل نامعلومی به زودی لغو گردید. به عنوان راه چاره دیگر، گزارش انگلیس در ادامه این ماجرا می‌افزاید ضرابخانه‌ها در شهرهایی دایر شده‌اند که کانون تجارت با ایران بوده‌اند از آن جمله می‌توان به مهمترین آنها یعنی حلب و ارزروم اشاره کرد. طلا و نقره زین پس نمی‌توانست صادر شود، مگر اینکه مهر این ضرابخانه‌ها بر روی سکه نقش می‌بست. بهر حال هزینه این کار خیلی سنگین بود. انگلیسی‌ها مدعی شدند

که این اقدام، تمام سودی را که می‌شد از شمش بدست آورد از بین برد.^{۱۳۹} در کنار تقاضای خارجی، عاملی بسیار قوی که بر قیمت صادرات پول تأثیر می‌گذاشت تقاضای زیادی بود که در هند وجود داشت. در مورد داد و ستد با هند شرقی، جریان حتی فراتر از محدودیت فصلی بود و بنابراین نوسانات، منظم‌تر و قابل پیش‌بینی‌تر از عثمانی بود. حرکت کشتی‌ها از هند و به سوی آن توسط بادهای موسمی امکان‌پذیر می‌شد. حرکت ناوگان کشتیرانی به هند در بهار همواره رقابت بر سر شمش را افزایش می‌داد و از همین رو بر قیمت شمش در اصفهان تأثیر می‌گذاشت.^{۱۴۰} بر عکس پس از آنکه کشتی‌ها هند را ترک می‌کردند و هیچ کدام تا فصل آینده باز نمی‌گشتند، قیمت‌ها فروکش می‌کرد.^{۱۴۱}

از سوی دیگر همان شرایطی که در طول راه‌های تدارکاتی غرب وجود داشت، در مسیر هند هم وجود داشت. جایی که بی‌ثباتی شرایط سیاسی و ثبات تجاری بر قیمت‌ها تأثیر می‌گذاشت تقاضا از جنوب آسیا همواره زیاد بود، اما خالی از نوسان کوتاه مدت نبود. معرف بی‌ثباتی، موازنه‌ای که قیمت‌ها را مشخص می‌کرد، بی میلی بازرگانانی بود که بعد از مرگ شاه جهان گورگانی در سال ۱۰۶۸ - ۶۹ هـ. ق / ۱۶۵۸ م. تمایلی نداشتند تا پول به آنجا ببرند. چنانکه گزارش‌ها از ناامنی جاده‌های اطراف آگرا^{۱۴۲} صحبت می‌کنند. گفته می‌شود بازرگانان مسافرت خود را به هند قطع نموده و سعی کردند خودشان را از بردن طلا به آنجا خلاص کنند.^{۱۴۳} چنانکه در بالا گفته شد دزدی و غارت کاروان نزدیک قندهار در مسیر هند تأثیر نامطلوبی بر بازار پول اصفهان گذاشت. گفته می‌شود حجم زیاد اشیاء مسروقه به تنهایی عاملی در کمیابی پول و بی اعتباری آن در میان بازرگانان پایتخت صفوی گردید.^{۱۴۴}

عوامل داخلی و خارجی هر دو بر موجودی و قیمت دوکات طلا در ایران تأثیر داشتند. از میان این عوامل بنظر می‌رسد، زیارت سالیانه حج، بیش از دیگر عوامل تأثیر گذار بوده است. ارائه چندین نمونه مثال از فراز و نشیب قیمت‌ها به ترتیب بر حسب تدارک برای سفر یا عزیمت کاروان، نشان می‌دهد که تحولات همزمان جریانهای شمش از قلمرو عثمانی، هیچ تأثیر محسوسی بر این روند نوسان قیمت‌ها نداشت، مثالی که از سال ۱۱۲۰ هـ. ق / (۱۷۰۸ م) قبلاً ذکر گردید فقط در این مورد مصداق ندارد و حالت عکس آن نیز بی سابقه نبوده است. در حدود سال ۱۱۰۱ - ۰۲ هـ. ق / ۱۶۹۰ م. کمبود محمودی با کاهش قیمت نسبی طلا مصادف شد که عامل آن محموله بزرگی بود که از اروپا می‌آمد. همین طور افزایش قیمت طلا که به خاطر ایام زیارت صورت می‌گرفت، ممکن بود با ورود کاروان‌هایی که از تبریز حرکت کرده بودند کاهش یابد. در اواخر سال ۱۱۱۴ - ۱۵ هـ. ق / ۱۷۰۳ م. هنگامی که زوار در تدارک انجام سفر حج بودند و بسیاری از ماموران عالی رتبه صفوی هم قصد حج داشتند، قیمت دوکات تا ۳/۴ ۱۵ محمودی افزایش یافت. بهر حال نرخ‌ها با حرکت کاروانها از تبریز مجدداً پائین آمد.^{۱۴۵} همچنین موارد کاملاً متفاوتی را می‌شنویم که به همان پدیده اشاره می‌کنند نظیر اینکه در سال ۱۱۲۶ هـ. ق / (۱۷۱۴ م) علیرغم حرکت کاروانها از تبریز قیمت دوکات سقوط نکرد، زیرا حرص و ولع زوار در خرید سکه مانع کاهش قیمت گردید.^{۱۴۶}

ب: روندهای بلند مدت

تا دهه ۱۶۷۰ پیرامون قیمت‌های طلا اطلاعات کم و ناقصی وجود دارد. در سال ۹۹۳ هـ. ق (۱۵۸۵ م) وینچنتو الساندرو ایتالیایی خاطر نشان ساخت که ۳۲۰۰۰ تومان معادل ۷۰۰۰۰۰ دوکات بوده است.^{۱۴۷} از آنجا که یک تومان معادل ۱۰۰ محمودی بود، بنابراین یک دوکات، پنج محمودی ارزش داشته است. در سال ۱۰۲۸ هـ. ق / ۱۶۱۹ م. پیترو دلاواله^{۱۴۸} ادعا کرد که یک تومان معادل ده دوکات ونیزی است و به این ترتیب اشاره می‌کند که یک دو کات معادل ۱۰ محمودی بود.^{۱۴۹}

گفته می‌شود در سال ۳۹ - ۱۰۳۸ هـ. ق / ۱۶۲۹ م. دوکات، ۱۲ / ۴ محمودی ارزش داشت.^{۳۳} در سال ۴۹ - ۱۰۴۸ هـ. ق / ۱۶۳۹ م. به ۱۳ محمودی افزایش یافته بود.^{۳۴} در سال ۶۷ - ۱۰۶۶ هـ. ق / ۱۶۵۶ م. سرانجام ارزشش به ۱۳ / ۴ محمودی رسید.^{۳۵} این ارقام بر افزایش خطی قیمت برخلاف جریان نقره عصر صفوی اشاره دارد اما بادر نظر گرفتن تأثیر احتمالی عوامل کوتاه مدت هم که در بالا مختصراً آمده است، نباید زیاد به چند مرجع مختصر اکتفاء کرده، نتایجی را استنباط کنیم.

اشارات پراکنده به دو کات در منابع دریایی اولیه، شاید سهم اندک طلا در وجوه تجاری ارسالی به هند را تا آن موقع منعکس نماید. متعاقب افزایش اهمیت طلا در نقل و انتقالات، به نوبه خود ممکن است نشانگر افزایش کسری مسکوکات در امپراطوری عثمانی، طی میانه قرن هفدهم باشد.^{۳۶} با این وجود همزمانی قیمت‌های بالای طلا در امپراطوری عثمانی در سراسر دهه ۱۶۷۰ تا ۱۶۸۰ م.^{۳۷} و سقوط ناگهانی ارزش طلا در هند در میانه دهه ۱۶۷۰ م. باید ما را نسبت به این واقعیت هوشیار نماید که نه شرایط در قلمرو عثمانی و نه وضعیت هند همیشه با تحولات در ایران هماهنگ بوده است و اینکه قیمت‌های نسبی طلا و نقره را در مناطق مجاور نمی‌توان اتوماتیک‌وار به عنوان شاخصی از قیمتها در دولت صفوی در نظر گرفت. می‌توان گفت حدوداً از سال ۴۰ - ۱۰۳۹ هـ. ق / ۱۶۳۰ م. تا میانه دهه ۱۶۷۰ م. طلا هم در شکل دوکات طلا یا در قالب شمش طلای ضرب نشده، پول مطلوب وارداتی به بیشتر نقاط هند بود، جایی که در جنوب آن و به‌ویژه در «کوروماندل» پستوانه پول مبتنی بر طلا بود. این واقعیت در قیمت بالای طلا در مقایسه با نقره تا سال ۸۶ - ۱۰۸۵ هـ. ق / ۱۶۷۵ م. منعکس است.^{۳۸} به‌هرحال در ایران ضرورتاً این وضعیت وجود نداشت.

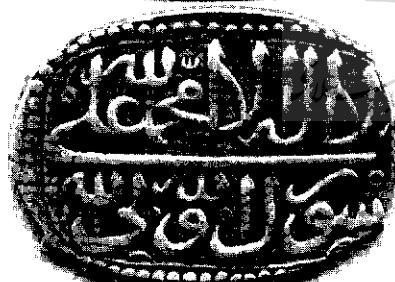
تمایل به ایجاد همسویی بین شرایط در ایران و هند از سال ۸۸ - ۱۰۸۷ هـ. ق / ۱۶۷۶ - ۷۷ م. قابل مشاهده است، و این هنگامی بود که قیمت طلا ناگهان در هند سقوط کرد و قیمت نقره در مقایسه با طلا رو به افزایش نهاد.^{۳۹} خواه اینکه علت مستقیم این جریان گنجینه‌های عظیم طلای امپراطوری اورنگ زیب بوده باشد - چنانکه بازرگانان مقیم هلندی ادعا کرده‌اند^{۴۰} با افزایش واردات از ژاپن، ارزش بالای نقره در سالهای بعدی تداوم یافت و به همین طریق بر نسبت‌های نقره گران قیمت در ایران و مقادیر زیادی که به شبه قاره حمل می‌شد، تأثیر گذاشت.

توضیحی برای این تحول در بخشی از تغییرات اوضاع سیاسی در هند جنوبی بدست آمده است. جایی که پادشاهی «گل کنده»^{۴۱} در اواخر دهه سوم قرن هفدهم تحت سیطره پادشاه مغول درآمد. مسئله خیلی مهم در این زمینه تغییر و تحولی بود که در اقتصاد سنتی مبتنی بر طلا روی داد و نوع دیگری از اقتصاد که در آن نقره ارزش زیادی داشت، پدیدار گردید. چنانکه تقریباً از آغاز قرن هجدهم پرداخت مالیات و خراج در این مناطق عمدتاً با نقره صورت می‌گرفت. قیمت این فلز نسبت به طلا افزایش یافت.^{۴۲} دو تحول عمومی دیگر عبارتند از آغاز تغییر الگوی مصرف طلا در سواحل کوروماندل در دهه ۱۶۸۰ م و مداخله فزاینده کمپانی هند شرقی هلند در بنگال که اشتباهی سیری ناپذیری برای نقره داشت.^{۴۳}

به نظر می‌رسد قیمت طلا از حدود سال ۰۲ - ۱۱۰۱ هـ. ق / ۱۶۹۰ م که حجم زیادی طلا اروپا شروع به آمدن کرد، به پائین‌ترین سطح خود رسید. علت این حجم زیادی مشخص نیست. اما ممکن است با نسبت زیاد طلا که از معادن کشورهای عمده اروپائی در همان سالها استخراج می‌شد، ارتباط داشته باشد.^{۴۴} در نتیجه دو کات در اصفهان نسبتاً ارزان شد. جایی که ۱۲ تا ۱۳ محمودی به فروش می‌رسید. چنانکه قبلاً خاطر نشان گردید هلندی‌ها از این موقعیت استفاده کردند و تصمیم گرفتند با خرید مقادیر زیادی دوکات وابستگی خود را به عباسی و محمودی بی اعتبار، به حداقل برسانند.^{۴۵} علیرغم مشکلاتی که آنها با کارکنان ضرابخانه دولت صفوی داشتند

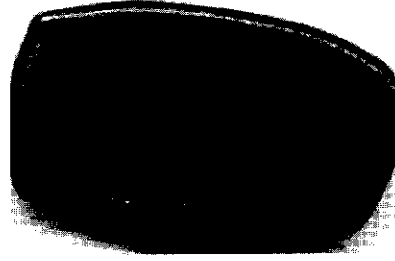


سکه نقره شاهی، ضرب تبریز (۱۱۲۹ هـ. ق) دوره شاه سلطان حسین صفوی



سکه نقره شاهی، ضرب تبریز (۱۱۲۸ هـ. ق) دوره صفوی، شاه سلطان حسین

سکه مسی دوره صفوی، ضرب تبریز



مبنی بر اینکه نهایت تلاش خود را می‌کردند که حق الزحمه خود را از هر دوکات حمل شده بگیرند و منتقل نمایند، عوامل کمپانی هند شرقی هلند از آن موقع به بعد موفق شدند مقادیر متعددی دو کات را به سورات بفرستند. با توجه به اینکه طلا در ایران نسبتاً ارزان بود در هند تحت سیطره مغولان ارزانتر هم بود. جایی که درآمد دولت با نقره جمع‌آوری می‌شد و جایی که در آن زمان گفته می‌شد نقره از کیفیت بهتری نسبت به ایران برخوردار بود.^{۳۳} در سال ۰۳ - ۱۱۰۲ هـ. ق / (۱۶۹۱م) دو کاتی که موریش^{۳۴} خوانده می‌شد (در امپراطوری عثمانی استخراج می‌گشت) در ایران ۱/۴ ۱۲ محمودی فروخته می‌شد. حال آنکه دو کات اروپایی ۱/۴ ۱۳ معاوضه می‌گشت. حتی وقتی که قیمت دو کات اروپایی در سال ۰۴ - ۱۳۰۳ هـ. ق / ۱۶۹۲ م. و سال ۰۵ - ۱۱۰۴ هـ. ق / ۱۶۹۳ م. به ۱۴ محمودی افزایش یافت هنوز ارسال این دو کاتها به هند از سود قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود.

به هر حال در اواخر قرن هفدهم، هم در ایران و هم در هند، به دنبال افزایش قیمت نقره نسبت به مسکوکات و پول طلا، چرخشی به سوی طلا مشاهده می‌شود. علل دقیق این قضیه هم خیلی مشخص نیست. ممکن است خاتمه جنگ نه ساله موجب رونق تجاری در مدیترانه شده باشد که تا

هر کدام از دو فلزی [طلا و نقره]

که استعمال آنها شایع می‌شد،

انبوهی از آن فلزی که در شهر

انباشته شده بود سرانجام راه خود را

به سوی خلیج فارس پیدا می‌کرد و

از آنجا به شبه قاره هند سرازیر می‌شد

حدی در کاهش جریان طلا نقش داشت. به علاوه در داخل ایران جلوس شاه سلطان حسین در سال ۱۱۰۵ هـ. ق / (۱۶۹۴ م) و همراه آن ایجاد تقاضا برای طلا جهت مراسم تاجگذاری و به دنبال آن مالیات تحمیلی شاه سلطان حسین در سال ۱۱۰۶ هـ. ق / (۱۶۹۵ م) که برای هر دو کات صادراتی می‌باید ۱/۴ ۱۲ غاز بیگی پرداخت می‌شد، ممکن است در این راستا نقشی را ایفاء کرده باشد. قبلاً در سال ۱۱۰۵ هـ. ق / (۱۶۹۴م) دوکات نمی‌توانست گرانتر از قیمت قبلی خود که ۱/۴ ۱۳ محمودی بود، خریداری شود و اینک کمتر از ۱۴ محمودی در اصفهان فروخته نمی‌شد. در حالی که گفته می‌شود آنهایی که به بندر عباس آورده می‌شدند توسط بانایانی که حتی به خود زحمت نمی‌دادند، جهت بازرسی آنها را وزن کرده یا ذوب نمایند، به مبلغ ۱۵ محمودی خریداری می‌شد. علاوه بر این، دوکاتهای قدیمی نیز روز به روز کمیاب می‌شد و چنانکه از سال ۰۶ - ۱۱۰۵ هـ. ق / (۱۶۹۴م) به ندرت در بندر عباس خریداری می‌شد و به عنوان پول خرید اجناس مورد استفاده قرار نمی‌گرفت. قیمت طلا هم متناسب با آن افزایش یافت. این روند بلند مدت بود زیرا افزایش آهسته قیمت دو کات در اصفهان از ۱۴ محمودی در سال ۰۶ - ۱۱۰۵ هـ. ق / (۱۶۹۴ م) به ۱/۴ ۱۴ محمودی در سال ۱۱ - ۱۱۱۰ هـ. ق / (۱۶۹۹ م) قابل توجه است. در سال ۱۳ - ۱۱۱۲ هـ. ق / (۱۷۰۱ م) به آنها قیمت دوکات یا قیمت‌ها تا حدود ۵/۸ ۱۴ افزایش یافتند. در سال ۱۴ - ۱۱۱۳ هـ. ق / (۱۷۰۲ م). این رویه به طور موقتی همزمان با سقوط دوکات به ۱/۴ ۱۴ محمودی، دگرگون شد. در اوایل سال ۱۵ - ۱۱۱۴ هـ. ق / (۱۷۰۳ م) قیمت

سکه حتی بیش از این سقوط کرد تا به ۱/۴ ۱۴ محمودی رسید. ۱۳۴ از آن پس قیمت‌ها مجدداً افزایش یافتند. در سال ۱۶ - ۱۱۱۵ هـ. ق / (۱۷۰۴ م) قیمت دو کات به ۱۵ محمودی رسید. ۱۳۵ در سال ۱۱۲۰ - ۱۱۱۹ هـ. ق / (۱۷۰۸ م) در اصفهان به به بالاترین حد خود، کمی بیش از ۱۵ محمودی افزایش یافت.^{۳۴}

در این موقع باز هم تحولات دیگری در تداوم افزایش قیمت طلا سهم بودند. جنگ‌های جانشینی اسپانیا ۲۵ - ۱۱۱۴ هـ. ق / (۱۷۰۲ م) بعد از یک وقفه چند ساله، پس از جنگ نه ساله، از سر گرفته شد. این کشمکش‌ها بر منبع نهایی بیشتر شمش دنیای جدید تأثیر گذاشت و سبب شد که ارسال شمش از آمریکا کاهش یابد. در ایران به نظر می‌رسید که عامل احتمالی، قیمت بالای دوکات بوده است که در اواخر سال ۱۶ - ۱۱۱۵ هـ. ق / (۱۷۰۴ م) در اصفهان به ۱۵ محمودی و در بندرعباس تا ۱۶ محمودی افزایش یافت.^{۳۵} دومین عامل سهمیم در این قضیه را باید در سیاست عثمانی‌ها در ضرب مجدد مسکوکات جستجو کرد که در سال ۰۹ - ۱۱۰۸ هـ. ق / (۱۶۹۷ م) باعث کاهش قیمت طلا گردید. این اقدام در سال ۱۱۱۹ هـ. ق / (۱۷۰۷ م) تکرار گردید.^{۳۶} در این زمان استانبول صادرات دو کات را غیر قانونی اعلام کرده و دستور مجددی صادر کرد تا تمامی سکه‌های مکشوفه مجدداً ضرب شوند. گرچه این اقدامات، حمل شمش را از آناتولی متوقف نکرد، اما باعث افزایش قیمت طلا در ایران گردید.

سومین و آخرین عامل پیچیده، حج بود که تأثیرش بر قیمت دوکات در دوران سلطنت شاه سلطان حسین پرهیزگار که درباریان خود را به انجام مراسم زیارت تشویق می‌کرد، نمایان‌تر شد. نمایندگان شرکت‌های اروپایی که با شور و شوق تحولات پولی را زیر نظر داشتند تا شروع قرن هجدهم از این پدیده مهم سخن نمی‌گویند. در همین ایام شروع به تفسیر اوضاع اقتصادی کردند و به کرات از تأثیر حج بر موجودی و قیمت طلا سخن رانده‌اند. ظاهراً مبالغه‌های هنگفتی جهت انجام مراسم حج مصرف می‌شد. وقایع السنین والاعوام در اشاره به میزان پولی که در این مسیر مصرف می‌شد، خاطر نشان می‌سازد که حجاج در سال ۱۱۱۵ هـ. ق / (۱۷۰۳ - ۰۴ م) تقریباً مبلغ ۱۰۰۰۰۰ تومان با خود به حج بردند و این مبلغ زیادی بود چرا که در آمد سالیانه شاه صفوی ۶۰۰۰۰ تومان گزارش شده است.^{۳۷} یک گزارش هلندی در سال ۱۷ - ۱۱۱۶ هـ. ق / (۱۷۰۵ م) خاطر نشان می‌سازد که تقاضا برای دو کات خیلی زیاد و این سکه بی‌نهایت نادر بود، زیرا زواری که به مکه می‌رفتند دوکات را خریداری می‌کردند، بدون اینکه قیمت دقیق آنرا بپردازند.^{۳۸} از سوی دیگر در سال ۲۰ - ۱۱۱۹ هـ. ق / (۱۷۰۸ م) گفته می‌شد که به خاطر فرا رسیدن ایام حج قیمت دوکات از ۲/۴ ۱۵ تا ۹/۱ ۱۵ محمودی افزایش یافت.^{۳۹} بعد از اینکه کاروانهای حج در اکتبر همان سال ایران را ترک کردند، علیرغم غیبت کاروان‌هایی که از تبریز بار شمش می‌آوردند، قیمت دو کات تا ۷/۴ ۱۵ محمودی تنزل کرد.^{۴۰} در سال ۱۱۲۱ هـ. ق (۱۷۰۹م) همانند سال قبل جمعیت کثیری عازم حج شدند. این مردم توسط شاه سلطان حسین تشویق می‌شدند. او به هر کس اجازه رفتن به حج را داد و مامورانی را برگزید که مسافران را همراهی کنند. قیمت‌ها که قبلاً تا ۳/۴ ۱۵ محمودی سقوط کرده بود در سپتامبر تا ۷/۴ ۱۵ افزایش یافت.^{۴۱} این نوسانات پولی که به خاطر مراسم حج پدید می‌آمد، همچنان تداوم یافت. در سال ۱۱۲۵ هـ. ق / (۱۷۱۳ م) قیمت دوکات به حداکثر یعنی ۱۶ محمودی رسید و بعد از حرکت کاروان‌ها به ۷/۴ ۱۵ سقوط کرد.^{۴۲} حج سال ۱۱۲۶ هـ. ق / (۱۷۱۴م) به طور غیر متعارف، یک دوره بلند مدت گرانی را پدید آورد، زیرا وزیر اعظم دولت صفوی، شاهقلی خان، که خودش برای رفتن به حج ثبت نام کرده بود، صرافان را مجبور کرد که جز به او به دیگری سکه نفروشند.^{۴۳} گفته شده است آقا کمال، خزانه دار سلطنتی، در تابستان آن سال ۲۰۰۰۰۰ دوکات همراه خود به عربستان برد.^{۴۴} در سال ۱۱۲۸ هـ. ق / (۱۷۱۶م) باز هم

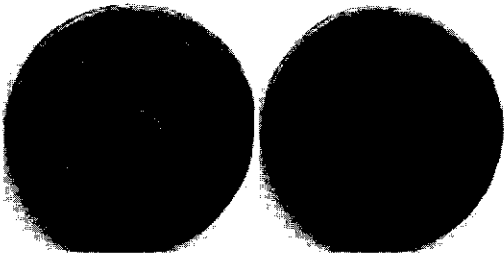
گزارش‌هایی در مورد خواجهگان درباری وجود دارد که تمام دوکات‌های موجود در بازار را خریده‌اند.^{۱۳۷} در سال ۱۱۳۰ هـ. ق/ ۱۷۱۸ م. سرانجام شوالیه آنژ دوگاردان^{۱۳۸} فرستاده، فرانسوی، به سطح بالاتری از قیمت دوکات در اصفهان اشاره می‌کند که علت این افزایش، فروش به بازرگانان هندی و فرانسوی و زوآر مکه بوده است.^{۱۳۹}

واضح است که تا آن زمان، هرج و مرج داخلی ایران بیش از هر شرایط خارجی بر افزایش قیمت بازار دوکات مؤثر بوده است. دولت صفوی که خیلی به پول نقد احتیاج داشت، در این زمان به تدابیری فوق‌العاده متوسل گردید که بتواند کسری بودجه خود را جبران کند. در سال ۱۱۲۸ هـ. ق/ ۱۷۱۶ م. حکم (کوتاه مدت) منع استفاده از طلا و نقره در صنایع بافندگی صادر شد.^{۱۴۰} بعد از آنکه در همان سال شاه سلطان حسین از پرداخت موجب نظامیان خود عاجز شد، تدبیری اندیشید که طلای زیادی را وارد خزانه سلطنتی کند تا بتواند سکه طلای خالصی را همانند دوکات ونیزی ضرب نماید.^{۱۴۱} سال بعد فرمانی صادر شد که قنادیل و ظروف طلای مرقد امام رضا (ع) را ذوب کرده و سکه ضرب نمایند. گزارشی حاکی از این است که ۱۰۰۰۰ تومان از این طریق وارد خزانه سلطنتی شد.^{۱۴۲} شاه حتی از این حد هم فراتر رفت و سعی کرد از آرامگاه اجدادش در قم فلز گران بها بدست آورد.^{۱۴۳} نتیجه این کار انتشار اشرفی طلا، اولین سکه طلای دولت صفوی از زمان شاه عباس به بعد بود. به هرحال این اقدام بر کاهش مشکلات تأثیر اندکی داشت، و قیمت طلا کماکان افزایش یافت تا اینکه دقیقاً در سالهای ما قبل سقوط اصفهان رشد فزاینده غیر متعارفی را به ثبت رسانده‌اند، که در سال ۳۴ - ۱۱۳۳ هـ. ق / ۱۷۲۱ م. قیمت طلا حول حوش ۱۷ محمودی بود و در سال ۳۵ - ۱۱۳۴ هـ. ق / ۱۷۲۲ م. تقریباً به سطح ۱۸ محمودی رسید.^{۱۴۴}

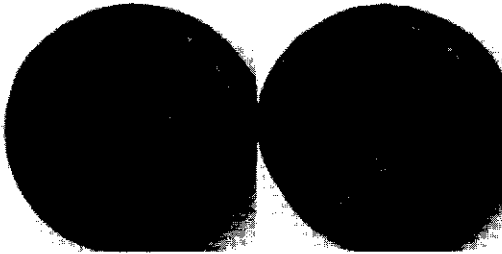
نتیجه:

هیچ شکلی از معاوضه تجاری، حلقه ارتباطی بین عثمانی، صفوی و امپراطوری مغول را به‌سان جریان بلند مدت شمش از غرب به شرق، در قرن هفدهم روشن نمی‌سازد. مقادیر هنگفتی شمش از بنادر لوانت مسیر زمینی را طی می‌کرد، و مقدار کمتری از دولت وسیع مسکوی، از مسیر آناطولی به ارزروم و تبریز و از آنجا به اصفهان می‌رسید که از آنجا یک راه به سمت جنوب می‌رفت تا به بندر عباس منتهی می‌شد و راه دیگری به شرق می‌رفت که به قندهار می‌رسید. بیشتر شمش‌هایی که به ایران وارد می‌شد خواه از طریق خشکی و یا دریایی، ایران را به قصد هند ترک می‌کرد.

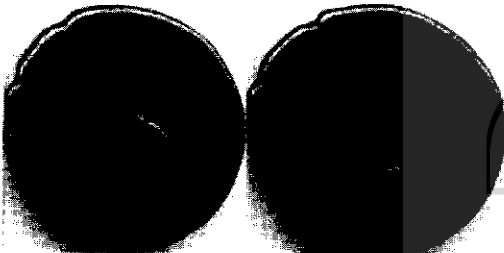
فقدان ضرابخانه‌های بومی مسکوکات طلا در قلمرو صفوی در بیشتر ایام قرن هفدهم منجر شد مسافرانی که در آن ایام به ایران سفر می‌کردند باور کنند - و بیشتر پژوهندگان تاریخ صفوی که بعد از آنها مشغول تحقیق شدند فرض آنها را دنبال کردند - که طلا در نقل و انتقالات منطقه‌ای شمش از طریق ایران و کلاً در اقتصاد بومی نقش فرعی داشته است، بر خلاف این عقیده بادوام، طلا نه تنها نقش با اهمیتی در نقل و انتقالات بین‌المللی شمش ایفاء کرده است و بدین ترتیب حلقه اتصال شیوه‌های تجاری شرق با غرب بوده بلکه از جایگاه رفیعی در حیات تجاری اواخر عصر صفوی نیز برخوردار بوده است. گرچه سکه‌های طلای بومی عمدتاً در مواقع خاصی ضرب می‌شدند و اکثراً به منظور استفاده در مراسم در داخل کشور آنها را به کار می‌گرفتند، سکه‌های طلا با حجم گسترده‌ای در نظام پولی در گردش بودند و به روش توزیع مجدد مورد استفاده قرار می‌گرفتند؛ زیرا آنها کالایی بودند که هدیه داده می‌شدند - رویه و رسمی که مبالغ هنگفتی را شامل می‌شد - و بسیار زیاد مورد تقاضای کسانی بود که قصد انجام زیارت حج یا زیارتگاه‌های شیعی در عراق را داشتند. مهمتر اینکه طلا «فلز دیگری»



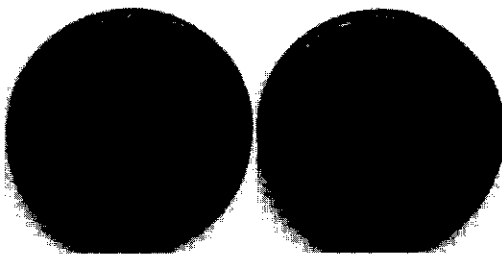
سکه مسی دوره صفوی، ضرب اصفهان (۱۰۸۲ هـ. ق)



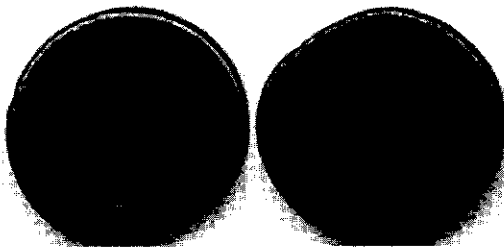
سکه مسی دوره صفوی، ضرب کاشان



سکه مسی دوره صفوی، ضرب ابروان



سکه مسی دوره صفوی، ضرب ابروان (۱۰۸۶ هـ. ق)



سکه مسی دوره صفوی، ضرب ابروان

در سیستم پولی بود. طلا در اصل به عنوان موازنه‌ای برای نقره به حساب می‌آمد. همواره به عنوان کالایی فراتر از وسیله صرف پرداخت بوده و به حساب آورده شده است. طلا مکانیسم مهمی برای تنظیم بازار و همچنین وسیله ذخیره سرمایه بود. به‌ویژه دوکات طلا در نیمه دوم قرن هفدهم، فلز مطلوب آنهایی گردید که در صدد گردآوری و صادرات سکه بودند، به‌ویژه موقعی که مسکوکات نقره کمیاب می‌شد و در وزن و آلیاژ متغیر بود. با ترسیم نسبت طلا - نقره در اواخر قرن هفدهم - تنها دوره‌ای که برای آن مدارکی در ارتباط با ارزش نسبی هر دو فلز وجود دارد - نشان داده می‌شود که نوسانات کوتاه مدت بسیار زیادی وجود داشته‌اند و ترکیبی از عوامل مختلف، قیمت واقعی بازار دوکات طلا را در اصفهان و بندر عباس تعیین می‌کرد. بعضی از این عوامل خارجی بود، سایر عوامل به شرایط اقتصادی و ساختار سیاسی کشور بستگی داشتند. از جهت عرضه، قیمت و موجودی، دوکات طلا به شرایط سیاسی و

روایت شده است که

در اوایل قرن هفدهم ۲۰٪ مجموع طلا و نقره تولیدی دنیا احتمالاً به شرق صادر شده است.

این میزان طی نیمه دوم همین قرن

به ۳۵٪ رسید. هند به تنهایی ممکن است

۱/۷ طلای جهان را در این دوره

جذب کرده باشد

بومی و با در نظر گرفتن منشاء خارجی بیشتر سکه‌ها، دولت قدرت نظارتی کمی بر جریان شمش داشت. توانایی دولت در تنظیم و اداره جریان، محدود به تلاش‌هایی بود تا یک جریان حداکثری به ضرابخانه‌های دولتی وارد کرده و خروج را کنترل نماید. به‌رحال سیاست‌های دولت در این راستا بی‌نتیجه بود، چنانکه آن سیاستها مشتمل بودند بر ترکیب نامناسب محدودیت‌های صادرات و امتناع از پرداخت قیمت‌های بازار جهت شمش که به ضرابخانه‌ها آورده می‌شد. باید نتیجه گرفت نظام پولی پادشاهی، فریبی برای شاهان صفوی بود، این بازار بود که قیمت شمش را معین کرد.

علیرغم بی‌ثباتی بازار، بعضی روندهای بلند مدت در قیمت طلا در برابر نقره قابل مشاهده است. گر چه سطح قیمت طلا تا ربع چهارم قرن هفدهم کاملاً مشخص نیست، اما قیمت طلا در پی تحولاتی که در میانه دهه ۱۶۷۰م. در هند صورت گرفت، کاهش یافت. با وجود ارزش بالای بلند مدت نقره در ایران و هند به دنبال این جریان، مشکلاتی که در مورد کم و کیف نقره در ایران وجود داشت منجر به صدور فزاینده طلا به شبه قاره هند گردید. در دهه آخر قرن هفدهم، توقف عرضه از امپراطوری عثمانی به خاطر جنگ در اروپا، هوشیاری عثمانی نسبت به صادرات شمش و افزایش مداوم تعداد ایرانیانی که جهت زیارت به مکه می‌رفتند، مجموعاً سبب شدند که دوکات در بازار گرانتر شود. این رویه تا دهه ۱۷۰۰م. تداوم یافت که در این زمان عوامل فوق‌الذکر بیش از پیش با آشوب فزاینده سیاسی و کاهش تدریجی آهنگ تجارت در ایران ترکیب شدند.

پی‌نوشت‌ها:

* این مقاله ترجمه ایست از:

Venice and Surat: The Trade in Gold in Late Safavid Iran', RUDI MATTHEE' ' Between ۲۰۰۰ Cambridge University Press Printed in the United Kingdom Modern Asian Studies ۳۴, ۱ (۲۰۰۰), pp. ۲۲۳-۲۵۵.

نخستین نسخه این مقاله در کارگاه پژوهشی سیاسی اقتصادی دولتهای عثمانی، صفوی و مغول طی سده‌های ۱۸-۱۷ میلادی، در استانبول در ماه مه سال ۱۹۹۲ میلادی ارائه گردید، بر خود فرض می‌دانم از استفن آلیم (Stephen Michael)، مایکل بیتز (Bates Michael) و آلن استال (Alan Stahl) تشکر کنم که این مقاله را مطالعه کرده و نظریات اصلاحی خود را در مورد پیش نویس اولیه ارائه دادند.

(قابل ذکر است که این ترجمه به رویت مؤلف محترم که زبان فارسی را خوب می‌داند، رسیده است - مترجم)

1- Maurice Lombard, Les bascs monetaires d'une suprematie economique. L'or musulman du VIIe au XIe siecle. Annales E.S.C.2 (1947), 148-60; and Peter Spufford, Money and its Use in Medieval Europe (Cambridge, 1988). 50- 5, 60-1.

2- See Duarte Barbosa, The Book of Duarte Barbosa, ed. and trans. Mansel Longworth Dames, 2 vols (London, 1918-21), 1:100-1; Tome Pires, The Suma Oriental of Tome Pires (1512-1515). ed. and trans. Armando Cortesao, 2 vols pag. as one (London, 1944), 43; Jean Aubin, Le royaume d'Ormuz au debut du XVIIe siecle, Mare Luso Indicum 2 (1973), 175; Magalhaes Vitorino Godinho, Os descobrimentos e a economica mundial. 4 vols (Lisbon, 2d ed., 1981-84), 1:232 .

اقتصادی در امپراطوری عثمانی و حتی اروپا و نیز ورود فصلی کاروانهای تجاری به تبریز بستگی داشت و از جهت تقاضا باید گفت که وضعیت هند، مهمترین عامل بود.

عوامل داخلی با عوامل خارجی هر دو در قیمت و عرضه طلا تأثیر گذار بوده‌اند. افزایش تلاش جهت اندوخته سازی منجر به کمبود شدیدی می‌شد و نهایتاً باعث افزایش قیمت می‌گردید. در ایام سال نو، هنگامیکه خراج هنگفتی در دربار جمع می‌شد. بدون استثناء باعث می‌شد که قیمت طلا افزایش یابد عامل آخر شامل اقدامهایی می‌شد که دولت جهت جلوگیری از خروج مسکوکات بعمل آورده بود.

از میان عوامل متعدد، ورود پول از امپراطوری عثمانی که بر اوضاع و احوال نقاط دوردستی همچون اروپا و حتی آمریکا - منبع نهایی بیشتر مسکوکات - تأثیر گذاشت و به عنوان تنها عامل بسیار مهمی است که در بلند مدت در موجودی و قیمت سکه بازار بومی ایران نقش تعیین کننده‌ای داشت. این مسئله با تقاضا از هند دنبال شد. هم در عرضه و هم در تقاضا، بعضی نظم و ترتیبهای فصلی وجود داشت. به‌رحال نظم و قابلیت پیش بینی، توسط حوادث زیادی تضعیف گردید. حوادثی مانند جنگ، راهزنی در مناطقی که به لحاظ اقلیمی شرایط نامساعدی داشت و ممنوعیتهای صادرات. صرف نظر از کارکرد مجرد هر عامل، تأثیرات متقابل آنها در هر زمان تعیین کننده قیمت سکه طلا در اصفهان بود. دولت تأثیر اندکی بر همه این عوامل داشت. در نبود ضرابخانه‌های

۳. مارتینز (A. P. Martinez) ارزیابی می‌کند که ۲۳۵ ظرفیت کلی ضربخانه ایلخانی طلا بوده بنگرید:

A. P. Martinez, Regional Mint Output and the Dynamics of Bullion Flows through the Il-Xanate, *Journal of Turkish Studies* 7 (1983), 137.

۴. ضرب و انتشار همزمان طلا و نقره متفاوت است با bimetalism نظامی که رواج دو نوع فلز را در آن واحد (مانند طلا و نقره) میداند، این نظام زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که طلا و نقره در یک نسبت ثابت ارزی منتشر گردد.

5- John Masson Smith, Jr. and Frances Plunkett, Gold Money in Mongol Iran, *Journal of the Social and Economic History of the Orient* 11 (1968), 275 - 88.

6- Stephen Alburn. Coins and Coins and Coinage: Later Persian Coinage, *Encyclopaedia Iranica* 6 (1993), 26 - 9.

7- Islamic hijri dates will only be given whenever they represent years of minting or occur in Persian sources.

8- Orhan Pamuk, Money in the Ottoman Empire, 1326-1914, in Haili Inalcik and Donald Quataert (eds), *An Economic and Social History of the Ottoman Empire, 1300-1914* (Cambridge. 1994) 954-6

9- Alburn, Coins and Coinage, 30.



سکه دو شاهی نقره صفوی، اسماعیل اول
۱۵۰۷-۱۵۲۴/۱۵۰۳م، ضربخانه‌ای نامشخص در خراسان



سکه دوشاهی نقره صفوی، محمد خدابنده قزوین
۱۵۹۲ / ۱۵۴۸م



سکه دوشاهی نقره صفوی، اسماعیل دوم
قزوین ۹۸۴-۱۵۷۷م با علامت دارالموحیدین

۱۰- «ریال» به Real: این کلمه در اصل اسپانیایی است و آن نام یک سکه نقره‌ای بوده و رایج در آن دیار و لفظاً به معنی «شاهی» است (در Royal انگلیسی و فرانسه) و مانند کلمه لاتین رگالیس Regalis به معنی شاهی از ریشه رگس «Rex» معنی «شاه» است. نخست سال ۱۴۹۷ میلادی سکه زده شد و تا سال ۱۸۷۰ پول نقره رایج آن‌ها بود و در مستعمرات اسپانیا نیز، چنان که در بخش جنوبی آمریکا هم رواج داشت، متداول بود.

پرتغالی‌ها در سال ۹۲۰هـ. ق / ۱۵۱۴م، به فرماندهی آلبرکوک Albuquerque جزیره هرمز را در خلیج فارس به چنگ آوردند و بیش از یک صد سال هم چنان در دست داشتند تا روزگار شاه عباس بزرگ ۱۰۰۳ - ۱۰۳۸ دگرپاره از آن ایران گردید. از سال ۹۸۸هـ. تا سال ۱۰۴۹ سلطنت پرتغال و اسپانیا در یکدیگر ادغام شد و از آن پس ایران عملاً فقط با اسپانیا بازرگانی و داد و ستد آغاز کرد و به دستگیری اینان ریال اسپانیایی در ایران شناخته شد. با این ترتیب پول اسپانیایی با نام اسپانیایی خود از راه خلیج فارس به ایران راه یافت و ناگزیر در هیچ یک از آثار فارسی پیش از آن روزگار نباید از ریال نام و نشانی باشد. پیش از آن که ریال رسماً واحد پول ایران گردد و به جای قران در آید، عبارت بوده است از بیست و پنج شاهی (۱/۲۵ قران). از این ره آورد اسپانیایی، عربستان سعودی هم بهره‌گرفته است. اکنون پول آن‌ها «ریال» خوانده می‌شود.

در عهد فتحعلی شاه سکه ریال، اول دو منقال و شش نخود و بعدها دو منقال وزن داشت و بالاخره در سال ۱۲۴۲ هـ. ق [سی امین سال سلطنت فتحعلی شاه] متروک شد و قران [با نام کامل صاحبقران] جای آن را گرفت.

در اوایل سلطنت رضا شاه به موجب قانون تعیین واحد و مقیاس پول قانونی ایران (مصوب ۲۷ / اسفند ۱۳۰۸ هـ. ش)، واحد پول قانونی ایران، ریال طلا معین شد؛ مسکوک مضرور نقره به نام ریال، یک صدم مسکوک طلای موسوم به «پهلوی» است. به قول استاد پور داود از این که ریال جانشین «قران» گردید، جای افسوس نیست، نه آمدن این به خوشی و شادمانی آرزو و نه رفتن آن به درد و دریغ.

بنگرید: دیانت، ابوالحسن: فرهنگ تاریخی، سنجش‌ها و ارزش‌ها، انتشارات نیما، چاپ اول، ۱۳۶۷، ج ۲، صص ۱۸۴ - ۱۸۵. (م).

۱۱- یا آقچه کلمه ترکی مغولی است به معنی جسم سفید کوچک، مترادف اسپر یونانی. این کلمه نوعی مسکوک هم بوده، و این مسکوک به همین نام از ترکان سلجوقی بازمانده است، گرچه آقچه از مسکوکاتی است که عمدتاً در مملکت عثمانی رواج داشته، اما در زمان سلاجقه و حکومت مغول و ترکان، در ایران نیز به همین نام



اشرفی طلای صفوی، سلطان حسین، اصفهان ۱۱۳۵/۱۷۲۲م

سکه نقره عباسی، شاه‌وردی خان
گنجه ۱۱۷۳/۱۷۶۰م سیزده سال بعد از مرگ نادرشاه به نام او ضرب شده است



G.A. Olivier, *Voyage dans l'empire ottoman, l'Égypte et la Perse*, 6 vols (Paris, 1807), 5:321.

20- Artur Attman, *The Bullion Flow between Europe and the East 1000-1750* (Göteborg, 1981), 123.

21- Delmar E. Morgan and C.H. Coote (eds), *Early Voyages and Travels to Russia and Persia*, 2 vols (London, 1886), 2:436.

22- Adam Olearius. *Vermehrte neue Beschreibung der muscowitische und persianische Reyse* (Schleswig, 1654, facsimile repr. Tübingen, 1971), 249.

23- Artur Attman, *The Russian and Polish Markets in International Trade 1500-1650* (Göteborg, 1973), 190; *idem*, *Bullion Flow*, 110.

24- M. Kh. Geidarov, *Remeslennoe proizvodstvo v gorodakh Azerbaidzhana v XVII v.* (Baku, 1976), 77.

25- Attman, *Russian and Polish Markets, 190-1*; *idem*, *Bullion Flow*, 110.

26- Algemeen Rijks Archief (Dutch National Archives, hereafter ARA), The Hague, VOC 1224, Gamron to Batavia, 3 Sept. 1657, fol. 318v.

۲۷- «تومان» لغت ترکی ایغوری است و معنی ده هزار را می‌دهد چنان که در تقسیمات لشکری هر ده هزار سرباز را «تومان» و فرمانده این عده را «امیر تومان» می‌گفتند. در مسکوکات نیز بطور اعم معنی و مفهوم ده هزار، و به طور اخص معنی ده هزار دینار را می‌دهد، و در هر عبارتی اگر به جای تومان ده هزار (در نقود ده هزار دینار) و به جای دینار کلمه «زر» و یا بالعکس به جای کلمه «زر» مسکوک «زر» کلمه «دینار» را قرار دهیم، مطلب روشن و مشکل حل خواهد شد. جهت اطلاع تفصیلی بنگرید: دیانت، ابوالحسن، همان منبع، ج ۲، صص ۱۲۸ - ۱۲۳

28- ARA, VOC 1291, Gamron to Herat XVII, 21 March 1673, fol. 558r; VOC 1304, Gamron to Herat XVII, 24 May 1674, fol. 437r.

به عقیده شاردن میزان گزارشات ارائه شده به شاه در جریان دزدی ۳۰۰۰۰۰ تومان بوده است اما گفته می‌شود که میزان واقعی دو برابر مبلغ مذکور است. بنگرید:

Jean Chardin, *Voyages du chevalier Chardin, en Perse, et autres lieux de l'Orient*, 10 vols and atlas, ed. L. Langlet (Paris, 1810-11), 2:232-3.

از آنجا که میزان درآمد سالانه خزانه سلطنتی در این دوره مبلغ ۶۰۰۰۰۰ تومان بود حتی مبلغ ۱۵۰۰۰۰ تومان هم احتمالاً اغراق آمیز بوده است. در دهه ۳۰ - ۱۰۲۹ ه. ق / ۱۶۲۰ م. گفته می‌شود که بازرگانان مقداری دوکات از مسیر قندهار به هند منتقل کردند زیرا هزینه کمتری نیاز داشت و این امر برای خرده بازرگانان باصرفه‌تر بود. بنگرید:

Francisco Pelsaert, *De geschriften van Francisco Pelsaert, 1627: Kroniek en remonstrantie*, eds, O.H.A. Koiff and H. W. van Santen (The Hague, 1979) 279.

تومان، معادل ۱۰۰۰۰ دینار و واحد محاسبه در عصر صفوی بود.

۲۹- سازمان Coromandel کوروماندل: ناحیه‌ای ساحلی در جنوب شرقی هند، بنگرید: مونس، حسین، اطلس تاریخ اسلام، انتشارات جغرافیایی نیروهای مسلح، ترجمه آذرتاش، آذرنوش، ج اول ۱۳۷۵، ص ۳۱۷ و نقشه‌های ۷ - ۱۲۶

(آقچه روم) و نوع دیگر آن به نام آقچه کبکی معمول و متداول بوده است. جهت اطلاع تفصیلی در این مورد بنگرید: دیانت، ابوالحسن، پیشین، ج ۲، صص ۱۴ - ۱۱، (م).

12- Halil Sahillioglu, *The Role of International Monetary and Metal Movements in Ottoman Monetary History 1300 - 1750*, in J.F. Richards (ed.), *Precious Metals in the Later Medieval and Early Modern Worlds* (Durham, NC, 1983), 285-6.

۱۳- جهت اطلاع تفصیلی در مورد مسکوکات رایج عصر صفوی بنگرید: پیشین، دیانت، ابوالحسن، پیشین، به ویژه جلد دوم (نقود و مسکوکات). (م).

بیشتر پولی که به ایران وارد می‌شد از جمله طلا در کشور باقی می‌ماند. طلا پشتوانه اصلی جریان منابع را به سوی خزانه سلطنتی تشکیل می‌داد

مازاد تجارت ایران با امپراتوری عثمانی و روسیه، بیشتر از طریق کسر بودجه کشور با هند جبران می‌شد

۱۴- جهت اطلاع تفصیلی در مورد اشرفی بنگرید: دیانت، ابوالحسن، پیشین، ج ۲، صص ۳۲ - ۲۲، (م).

۱۵- از مسکوکات هلندی است و در ونیز نیز متداول بوده است. بطوری که از نوشته فرستاده‌های ونیز برمی‌آید، هر دو کاتو، Ducat در دوره شاه طهماسب، پنج بیستی (بیست دیناری ارزش داشته است. تا ورنیه ارزش این مسکوک را معادل دو اکوی فرانسه و ۲۶ شاهی به پول ایران می‌نویسد. دیانت، ابوالحسن، همان منبع، ج ۲، ص ۱۶۶، (م).

۱۶- سکوئین sequin، این سکه ونیزی است و هر سکه از آن، اندکی زیادتیر از یک دوکاتو بوده است. از نوشته‌های خود ونیزیان که هر سکوئین طلا برابر شانزده شاهی طلا یا سکه طلای طهماسبی بوده است. بنگرید: طاهری، ابوالقاسم، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران (از مرگ تیمور تا مرگ شاه عباس)، شرکت سهامی کتابهای جیبی، بی تا، ص ۲۲۲، پاورقی، (م).

۱۷- محلی در ساحل مدیترانه شرقی. بنگرید: شاو. استانفورد جی: تاریخ امپراتوری عثمانی و ترکیه جدید، ترجمه محمود رمضان زاده، انتشارات آستان قدس، چاپ اول، ۱۳۷۰، صص ۵۷ و ۱۰۹ و ۲۵۵، (م).
۱۸ Ibid. ۲۸۳.

۱۹- این بازار تجاری همواره با برجا ماندن. زیرا جریان عمده پول از امپراطوری عثمانی مدتها بعد از عصر صفوی نیز ادامه پیدا کرد. (سیاح فرانسوی اولیور Olivier) سال ۱۱ - ۱۲۱۰ ه. ق (۱۷۹۶م) که از ایران دین نمود. گزارش می‌دهد طلا و نقره‌ای که از ترکیه وارد می‌شد آنچنان زیاد بود که هیچ پول دیگری غیر از غروش‌های عثمانی (Piastras) و Zecchini وجود نداشت. او توضیح می‌دهد دوکات‌های ونیزی کم بود زیرا پولی بود که بازرگانان برای صادرات آنرا ترجیح

31- Om Prakash, Foreign Merchants and Indian Mints in the Seventeenth and Early Eighteenth Century, in John F. Richards (ed.), *The Imperial Monetary System of Mugh India* (Delhi, 1987), 175.

۳۲- تقریباً در اواخر قرن نوزدهم هنوز بر آورده می‌شد که قیمت ۹/۱ کالاهایی که از هند به ایران وارد می‌شد بصورت سکه پرداخت می‌گردید. بنگرید:

J. G. Lorimer (ed.), *Gazetteer of the Persian Gulf, Oman and Central Arabia* (Calcutta, 1915), 1/i, 163.

33- Om Prakash, *The Dutch East India Company and the Economy of Bengal 1630-1720* (Princeton, 1985), 11-13.

وضعیت ایران خیلی به وضعیت ژاپن پس از سال ۸۰ - ۱۱۰۷ هـ. ق/۱۶۹۶ شباهت داشت. در آن زمان با وجود اینکه ارزش طلا تنزل کرده بود، این فلز باز هم توسط هلندی‌ها خارج می‌شد. علت اینکه هلندی‌ها به این اقدام دست یازیدند این بود که اولاً طلا هنوز در کورماندل متقاضی زیادی داشت و ثانیاً اندک باقیمانده آن نیز می‌توانست صادرات سود آوری از ژاپن به حساب آورده شود.

۳۴- چند Vincentio d Alessandri وینچنتیو دالساندری، سفیر و نیز بود که در سال ۱۵۷۱ م. به دربار شاه طهماسب اول در قزوین آمده و چند سالی را در ایران اقامت کرده است. وی در سفرنامه خود که عبارتست از گزارش وی خطاب به مجلس اعیان و نیز، معلومات جالبی در باب اخلاق و اطوار شاه طهماسب ذکر می‌کند. جهت اطلاع از متن گزارش دالساندری بنگرید: سفرنامه‌های ونیزیان در ایران، ترجمه منوچهر امیری، شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، چاپ اول ۱۳۴۹، ص ۴۳۳ به بعد. (م)

35 - Charles Grey (ed), *A Narrative of Italian Travels in Persia*, 2 vols (London, 1873), 2:225-6.

۳۶- Ugo Tucci دانشمند ایتالیایی

37- Ugo Tucci, Le emissioni monetarie di Venezia e i movimenti internazionali dell'oro' in *in idem, Mercanti. navi, monete nel Cinquesento veneziano* (Bologna, 1981), 279.

38- Giacomo Soranzo

39- See Ugo Tucci, Un ciclo di affari commerciali in Siria (1579-81) in *idem. Mercanti, 110, fn. 50.*

۴۰- جهت اطلاع تفصیلی در این مورد بنگرید: دیانت، ابوالحسن، همان منبع، چاپ دوم، ص ۴۷ و ۴۸. (م)

41- See The report by the French emissary Gardane, H. L. Rabino di Borgomale, *Coins, Medals, and Seals of the shahs of Iran (1500-1914)* (Hertford, 1945), 42.

۴۲- عموماً این باور وجود دارد که محمودی به صورت سکه ۱۰۰ دیناری طی اواخر قرن شانزدهم توسط شاه محمود و خداینده ضرب شد. به هر حال داستان اصل و پیدایش آن مقداری پیچیده و مبهم است. محمودی در هند هم ضرب می‌شد. جایی که محمودی‌ها با سلطان محمود اول، فرمانروای گجرات مرتبط می‌شدند. بنگرید:

Shahpurshab Hormasji Hodivala *Historical Studies in Mughal Numismatics* (Bombay, 1976), 115-30

محمودی در گردش پولی ساحل خلیج فارس احتمالاً پول رایج بوده است که علامت سکه دو شاهی داشت.

43- Jean Pitton de Tournefort, *Relation d'un voyage du Levant*, 2 vols (Paris 1717), 2:311.

44- ARA, VOC 1307, Gamron to Batavia, 21 Dec. 1675, fol. 638r.



درهم مغولی، سفیدی
۱۲۲۷-۴۱/۵۶۲۴-۳۹



درهم ایلخانی متعلق به احمد، با خط ایغوری بر روی سکه، تبریز ۱۲۸۴/۵۶۸۳م



سکه نقره ۶ درهمی (دینار) ایلخانی، الجایتو جاجرم ۱۳۱۲/۵۷۱۴م

دینار ایلخانی از بایدو ۱۲۹۵/۵۶۹۴م با خط ایغوری بر روی سکه، تبریز



۵۷- Jean Baptiste Tavernier ۱۰۷۸ هـ. ق. باتیست تاورنیه، سیاح فرانسوی است که بین سالهای ۴۲ - ۱۰۴۱ هـ. ق / ۱۶۳۲ م. و ۷۹ - هـ. ق / ۱۶۶۸ م. شش سفر به مشرق کرده و بیش از ۹ بار ایران را دیده است. اولین سفر او در دوره سلطنت شاه صفی، جانشین شاه عباس کبیر و دیگر سفرهایش در زمان شاه عباس دوم و شاه سلیمان انجام گرفت. وی گزارش دقیقی و مبسوطی از طرز حکومت دوران صفوی، وضع ادارات و تقسیمات مملکتی، طرز اداره قشون، وضع حکام و نوع حکومت آنها و ... به رشته تحریر درآورده است. بنگرید: سفرنامه تاورنیه، ترجمه ابوتراب نوری، انتشارات کتابخانه سنائی و کتابفروشی تأیید اصفهان، بی تا (م)

58- Jean - Baptiste Tavernier, *Les six voyages de Jean Bapt, Tavernier en Turquie, en Perse, et aux Indes*, 2 vols (Utrccht, 1712), 1:133.

59- Chardin, *Voyages*, 4:170, 181-3.

60- Poullte

61- Poulllet, Sr., *Nouvelles relations du Levant... avec une exacte description... du royaume de Perse*, 2 vols (Paris, 1668) : 2:298, See also Pietro della Valle, *delle condizioni di Abbas Re di Persia* (Venice, 1628), 37.

62- See, for example, Chardin, *Voyages*, 3:29.

63- Pacifique de Provins, *Relation d'un voyage de Perse* (Paris, 1631), 398.

64- Chardin, *Voyages*, 3:217.

۶۵- شرف الدین بدلیسی مدعی است که شاه طهماسب (سلطنت ۹۲۰-۹۸۴ هـ. ق / ۱۵۲۴ - ۱۵۷۶ م.) ثروت فراوانی در خزانه‌اش گرد آورد و طلای ضرب شده و نشده و شمش‌های طلا را به عنوان بخشی از ثروت شاه ذکر می‌کند. بنگرید:

Sharaf al - Din Bidlisi, *Cheref-Nameh ou fastes de la nation kourde*, trans. Francois Bernard Charnoy, 3 vols (St Petersburg, 1873), 2/a, 641-2.

۶۶- تاثیر سرازیر شدن یکباره پیشکشهای نوروزی بر جریان دوکاتپا در اسناد اداره هند در لندن ذکر شده است. (که از این ببعد تحت عنوان IOR می‌آید) بنگرید:

E/3/52/6360, 20 Feb. 1697, unfol; Chardin, *Voyages*. 5: 404; and Engelbert Kaempfer, *Amoenitatum Exoticarum politico - physico - medicarum, fasc, v* (Lemgo, 1712), 95; trans. W. Hinz, *Am Hofe des persischen Grosskonigs 1684-1685* (Tubingen, 1977), 122.

67- H. Dunlop (ed.), *Bronnen tot de geschiedenis der Oostindische Compagnie in Perzie, 1611-1638* (The Hague, 1930), 284.

68- Giovanni F. Gemelli Careri, *Giro del mondo del Dottor D. Gio. Francesco Gemelli Careri*, 6 vols (Naples, 1699), 2:121.

69- Tucci, *Emissioni monetarie*, 286-7, 293.

۷۰- کارکرد سکه به عنوان یک کالا، بیشتر به عنوان علامت مشخصه نظام‌های پولی دوران ماقبل مدرن بوده است. هنگام ضرب سکه در ضربخانه، حق‌الضرب به آن اضافه می‌شد و هنگام عبور از مرز ارزش آن در پرتو این حق‌الضرب قابل تشخیص بود. اینها مالیات‌هایی بودند که با ارزش قیمت هر کالایی برابری می‌کردند.

۷۱- معامله بعضی از کالاهای صادراتی ایران مخصوصاً در دوره صفوی و سلطنت شاه عباس کبیر به عدل بود. مثلاً صادرات سلانته ابریشم در آن زمان به

تنها زمانی که دوکات (به طور موقتی) در شمال غرب گرانتر از مابقی قسمت‌های ایران بود، هنگامی بود که جریان دوکات از عثمانی قطع شده بود. این اتفاق در تابستان سال ۱۱۲۵ هـ. ق / ۱۷۱۳ م. روی داد. بنگرید:

ARA, VOC 1856, Isfahan to Gamron, 17 July 1713, fol. 338.

45- Tucci, *Emissioni monetarie*, 280

46- Sanjay Subrahmanyam. *Precious Metal Flows and Prices in Western and Southern Asia, 1500-1750: Some Comparative and Conjunctural Aspects*, *Studies in History n.s.* 7 (1991): 91 - 3.

47- Attmann

48- Rix - dollars

49- Artur Attman, *Dutch Enterprise in the World Bullion Trade 1550 - 1800* (Gotenburg, 1983). 93 - 4.

50- A. Alpojadzhyan, *Istoriya armyanskoi emigratsii*, quoted in V.A. Baiburtyan, *Armyanskaya koloniya Novoi Dzhul'fy v XVII veke: Rol' Novoi Dzhul'fy irano - evropeiskikh svyazyakh* (Erevan, 1969), 60.

بازرگانان ارمنی که در اواخر دهه ۱۵۰۰ م، سهام غالبی در تجارت ابریشم بین ایران و لوانت به دست آورده بودند، در قرن هفدهم به بزرگترین وارد کنندگان پول مسکوک از امپراتوری عثمانی مبدل شدند

اسکودا سکه ایتالیایی بود که به عنوان همتای تالرا ارائه می‌شد. اولین اسکودا در مانتوا Mantua در سال ۹۴۵ - ۹۴۵ هـ. ق (۱۵۳۹ م) ضرب شد. در سال ۹۶۸ هـ. ق (۱۵۶۱ م) ونیز اسکودای خود را ضرب کرد.

۵۱- Surat سورات: بندری در ساحل گجرات در هند غربی. بنگرید: مونس، حسین، همان منبع. (م) ۲۹۸.

52. Tucci, *Emissioni monetarie*,

۵۳- Pere Raphael du Mans پی‌یر رافائل دومان یکی از افراد برجسته فرقه کاپوسن‌ها در ایران بود که در سال ۱۶۴۴ م. در معیت ژان باتیست تاورنیه، زرگر و سیاح معروف فرانسوی از بغداد وارد اصفهان شد. رافائل که ریاضی دان بود در دربار ایران به گرمی استقبال شد و در نزد شاه عباس و پسر او شاه سلیمان مورد عنایت قرار گرفت. وی زبان فارسی را آموخت و وقت زیادی را به جمع‌آوری اطلاعات ایران و مردمش صرف کرد. وی کتاب *Estat de la perse on 1660* (دولت ایران در سال ۱۶۶۰ م) را برای استفاده کلیر وزیر مقتدر فرانسه، که در آستانه تشکیل کمپانی هند فرانسه در سال ۱۰۵۴ هـ. ق / ۱۶۶۴ م بود تحریر کرد. بنگرید:

The Cambridge History of Iran volume 6 pp . 397 - 98

54- Raphael du Mans, *Estat de la Perse en 1660*, ed. ch, Schefer (Paris, 1890) 192.

55- Thomas Barker *et al*, Isfahan, to East India comp., 14 June 1625, in W. Noel Sainsbury (ed). *Calendar of State Papers, Colonial Series, East Indies, China and Persia, 1625-1629* (London, 1884; repr. Vaduz, 1964), 212.

56- Olearius. *Vermehrte neue Beschreibung*, 559.

83- ARA, VOC 1582, Gamron to Batavia, 15 May 1696, fol 134; VOC 1562, Gamron to Batavia, 25 Oct. 1696, fols 662r 666r; IOR, E/352/6272, Shiraz to Gombroon, 4 Sept. 1696, unfol.

۸۴ Malabar مالابار: منطقه‌ای ساحلی در جنوب غربی هند. بنگرید: مونس، حسین، همان منبع. (م) ۸۵. Ibid., fol. ۴۲۹t.

عدد ۱۰ در این رقم بیانگر استیور معادل ۲۰ گیلدر است در حالیکه عدد ۱۵ بیانگر پنی جن است که هر ۱۶ تایی آن معادل یک استیور بوده است. ۸۶ Guilder سکه رایج هلند و آلمان. (م). ۸۷ Stuiver پول خرد، یک سنت، نیم پنی. (م).

88- ARA, VOC 1476, Gamron to Batavia, 12 Aug. 1690, fol 416r.

89- ARA, VOC 1763, Gamron to Batavia, 21 Dec. 1707, fol.110.

۹۰ در روسیه قرن هفدهم نیز چنین پدیده‌ای قابل مشاهده است. در آنجا هم قیمت طلا قبل از شروع تعطیلات افزایش می‌یافت. بنگرید:

Kilburger, in Boris Grigorevich Kurtz, Sochinienie Kil'burgera o russkoi torgovule v tsarsstvovanii Alekseia Mikhailoicha (Kiev, 1915), 159.

استفن آلم به من گفت که نوروز ایران در حال حاضر در لس آنجلس همان تأثیر را بر قیمت طلا دارد.

91- See IOR, E/3/52/6283, Isfahan to Company, 1 Oct. 1696.

شکایت می‌کند که رقابت هلندیها قیمت دوکات را به اندازه بی سابقه ۲۹ شاهی، ۵ غاز بیگی افزایش داده است.

92- Tavernier, *Les six voyages*, 1:136.

۹۳- گفته می‌شود که امیر مکه در اواخر قرن هجدهم یازده دینار طلا از هر زائر می‌گرفت. شش دینار برای ورود به مکه و پنج دینار برای ورود به مدینه. بنگرید: رسول جعفریان، علل بر افتادن صفویان، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول ۱۳۷۲، ص ۲۶۲: المدینه المنوره فی رحله العیاشی؛ دراسته و تحقیق، محمد محزون، دار الازرقم للنشر و التوزیع الکویت، ص ۱۹۰

94- Jean de Thevenot

95- Jean de Thevenot, *Suite du voyage de Levant* (Paris, 1674), 321-2.

از رقابت بین بصره و بغداد بر سر اینکه کدام شهر بایستی به عنوان نقطه آغاز مسافرت زوار ایرانی به حساب آورده شود می‌توان فهمید که حج چه سوداگری سودمندی برای مقامات بصره بوده است؛ همچنین از رفت و آمدهای دوره‌ای نمایندگان سیاسی عرب به اصفهان با هدایای گران بها و تقاضا برای العای حکم ممنوعیت زیارت می‌توان به اهمیت تجاری زیارت حج پی برد. بنگرید:

Chardin *Voyages*, 3:134-6; and 7:183-5.

96- Tavernier, *Les six voyages*, 1:588-9.

طرح شاه عباس اولین، نقشه در نوع خود نبود، چرا که قبلاً در قرن پانزدهم می‌شونیم که تلاشهایی صورت گرفت که زیارت مقبره شیوخ ایرانی را جایگزین حج بر هزینه، نمایند. بنگرید:

See Jean Aubin, *Deux sayyids de Bam au XVe siecle. Contribution a l'histoire de l'Iran Timouride*, *Akademie der Wissenschaften und der Literatur. Abhandlung der geistes- und sozialwissenschaftlichen Klasse 7* (1956), 301.

97- Chardin, *Voyages*, 3:135.

98- Chardin, *Voyages*, 3:135.

۲۲۰۰ عدل می‌رسید و هر عدل یک صد و ده کیلو بود که قریب دو هزار عدل آن را هلندی‌ها خریداری می‌کردند. ابریشم گمبرون به باتاویا و سپس به اروپا ارسال می‌شد و یک شرکت هلندی در ازای آن متعهد بود که هزار و دویست صندوق (هر صندوق یک صدوینجاه پوند هلندی) شکر تحویل دهد. بدیهی است وزن هر عدل بستگی به جنس آن داشته است. عدل در اصفهان برابر دوازده من تبریز است. بنگرید: دیانت، ابوالحسن، همان منبع، ج ۱، ص ۳۰۴.

مؤلف محترم جناب آقای متی که این ترجمه را مطالعه فرمودند به این باورقی ایراد داشتند و مدعی بودند که هر عدل حدوداً صد کیلو است و در ضمن هلندیان متعهد بودند هر سال ۶۰۰ عدل ابریشم از درگاه به قیمت معین بخرند و در ازای آن از پرداخت عوارض راهداری و گمرک معاف بودند و همچنین اجازه داشتند تا ارزش ۲۰۰۰۰ تومان کالا وارد یا صادر نمایند. (م)

۷۲- اولین نمونه مثلاًها ۱/۸۰۰ دوکات و ۲۳۲ ۱/۳ اونس شمش طلا هستند که کمپانی هند شرقی هلند در سال ۱۰۵۹ هـ. ق / (۱۶۴۹) از بندرعباس به سورات منتقل کرد بنگرید: ۹ BV ۶۱ July ۱۶۴۹, Fols ۱۱۷۸ ARA, VOC و در سال ۱۰۶۱ هـ. ق / (۱۶۵۱ م) ۷۰۰ دوکات از ایران به سورات منتقل گردید، ۱۱۸۵ VOC گمبرون به سورات ۳۳۷۰ FOL. Sept ۲۱۶۵۱. ۷۳- تعداد ضرابخانه در ایران از ۳۰ باب در حدود سال ۹۳۲ هـ. ق / ۱۵۲۵ م به ۱۵ باب در حدود سال ۱۰۶۹ هـ. ق / ۱۶۵۸ م. کاهش یافت.

۷۴- Kreutzer, Kreuzer مسکوک مس یا نقره که سابقاً در آلمان و اتریش رواج داشته و قریب نصف سنت آمریکا ارزش آن بوده است بنگرید: آریانپور کاشانی، عباس، فرهنگ کامل جدید انگلیسی فارسی. (م)

75- ARA, VOC 1349, Gamron to Batavia, 25 Nov. 1674, fol 1712r.

76- ARA, VOC 1323, Gamron to Batavia, 12 Aug. 1677, fol 675r

۷۷- دیگر اقلیت‌های عمده غیر مسلمان در اصفهان عهد صفوی هندیان، یهودیان و زرتشتیان بودند. در زمان شاه عباس اول تعداد هندیان چندان زیاد نبود اما بعدها افزایش یافت. هندیان که به «بانیان‌ها» شهرت داشتند، به دلالتی برای تجار خارجی و رباخواری اشتغال داشتند و به علت بهره‌گرفتی که مطالبه می‌کردند شهرت خوبی نداشتند. به گفته تاورنیه عباس اول اجازه نداد رباخواران هندی جای بایی در ایران بیابند و آنان تنها در زمان جانشینان او، صفی و عباس دوم، در ایران مقیم شدند. لکن هربرت که در سال ۸ - ۱۰۳۷ هـ. ق / (۱۶۲۸ م) یعنی یک سال قبل از درگذشت عباس اول، در اصفهان بود به بانیان‌ها یا بازرگانان هندی اشاره می‌کند و می‌گوید: آنها «سبزه‌رو، مکار، خوش صحبت، بازرگانانی هوشیار و خرافاتی» هستند. بانیان هندو مذهب نظیر دیگر اقلیت‌های مذهبی مقیم اصفهان، آزادی انجام دادن مراسم مذهبی خود را داشتند، گرچه مقامات اغلب از حساسیت‌های هندوها سوءاستفاده می‌کردند و برای دادن اجازه انجام مراسم مذهبی چون ساتی (خود سوزی زنان هندو بر سر جنازه شوهرانشان) که برای مسلمانان تنفرآور بود، مبالغی پول مطالبه می‌کردند. یهودیان نیز نظیر هندیان به عنوان دلال عمل می‌کردند به ویژه در زمینه ادویه و جواهرات معامله می‌کردند، آنها در محله‌های مجزای خود زندگی می‌کردند اما چندان زیاد نبودند: سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، نشر مرکز، چ چهارم ۱۳۷۴، صص ۲ - ۱۷۱. (م)

78- ARA, VOC 1476, Gamron to Isfahan, 4 Aug. 1690, fols 473r-474v.

۷۹- جهت اطلاع تفصیلی از پیدایش، سابقه کارکرد برات بنگرید: دیانت، ابوالحسن، همان منبع، ج ۲، صص ۴۱ - ۳۹

80- ARA, VOC 1732, Memorandum Casteleya to Willem Backer Jacobsz., 1705, fols 30-33.

81- ARA, VOC 1476, Gamron to Isfahan, 12 Aug. 1690, fols 473r-474r.

82- ARA, VOC 1459, Isfahan to Heren XVII, 20 Dec. 1680, fol. 1017r.

1673, fol. 558; VOC 13047, Gamron to Batavia, 24 May 1674, fol. 437r; Chardin, *Voyages*, 2:233-3.

114- ARA, VOC 1694, Isfahan to Gamron, 23 Dec. 1703, fol. 183; *ibid* Gamron to Batavia, 29 March 1704, fol. 125.

یادآوری مکرر خروج پول از ایران بخاطر زیارت اشعار دارد بر افزایش تعداد غیرمنتظره حجاجی که ایران را به قصد اماکن مقدس عربستان در هر سال ترک می‌کردند و از این رو شواهد متعددی را دال بر رشد نمایان مراسم مذهبی به‌ویژه در عصر شاه سلطان حسین می‌توان مشاهده کرد.

احیاء وجهه ملی زیارت اماکن مقدس در عربستان در اوایل نیمه دوم سلطنت شاه سلیمان (۹۴ - ۱۶۶۶ م) شروع شد. در دوره شاه سلطان حسین اعداد، افزایش داستان گونه‌ای را نشان می‌دهد. برای نمونه خاتون آبادی ادعا می‌کند که در سال ۱۱۱۵ هـ. ق/ ۱۷۵۳.۴ م - تعداد نفر از ایران به حج و زیارت رفتند بنگرید: سید عبدالحسین خاتون آبادی، وقایع السنین و العوام، تهران ۱۳۵۲، ص ۵۵.

115- ARA, VOC 1856, Isfahan to Gamron, 24 Feb. 1714, fol. 675.

116- Horatio F. Browne, A Report on the Condition of Persia in the Year 1586: Lettera, Sacra Cattolica Real Maesta, *The English Historical Review* 7 (1892): 319. ARA, VOC 1694, Isfahan to Gamron, 23 Dec. 1703, fol. 183; *ibid* Gamron to Batavia, 29 March 1704, fol. 125

۱۱۷- بنگرید: Pietro della Valle پیترو دلاواله، سیاح ایتالیایی که در عصر شاه عباس اول به ایران مسافرت کرد. جهت اطلاع تفصیلی سفرنامه پیترو دلاواله، ترجمه شعاع الدین شفا، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. (م) ۷۹۴، ۱:۳۵۸.

118- Pietro della Valle, *Viaggi di Pietro della Valle il pellegrino*, 2 vols (Brighton, 1843), 1:358, 794.

119- Sainsbury, *Calendar of State Papers*, 211.

120- William Foster (ed.) *The English Factories in India 1637-1641* (London, 1912) 251.

121- ARA, VOC 1210, Invoice of goods sent to Surat, 6 March 1655, fol. 822.

122- Pamuk, *Money in the Ottoman Empire*, 30.

123- *Ibid.*, 28.

124- See the chart in om Prakash, *Precious Metal Flows, Coinage and Prices in India in the 17th and the Early 18 th Century*, in H, G. van Cauwenberghe (ed.), *Money, Coins and Commerce: Essays in the Monetary History of Asia and Europe* (Leuven, 1991), 63.

125- See IOR, E/3/37/4258, 22 Jan. 1677, unfol.

126- ARA, VOC 1226, Gamron to Batavia, 1 March 1658, fol. 800v. This is also presented as the main cause by K.N. Chaudhuri, *The Trading World of Asia and the English East India Company 1660-1760* (Cambridge, 1978), 178.

۱۲۷- Golconda گلکنده: منطقه‌ای ساحلی در جنوب شرقی هند.

بنگرید: مونس، حسین، همان منبع، نقشه‌های مربوط به هند اسلامی در فصل یازدهم. (م)

128- Artur Arasaratnam, *Merchants, Companies and Commerce on the Coromandel Coast* (New Delhi, 1986), 195.

129- Kristof Glamann, *Dutch - Asiatic Trade, 1620-1740* (Copenhagen-The Hague, 1958), 69

130- Michel Morineau, *Incroyables gazettes et fabuleux metaux. Les retours des tresors americaines d'apres les*

شاردن مدعی است که طی مدت دوازده سالی که او در ایران بود، چهار تن از سفرای عرب را دید که از عربستان آمده بودند و از دربار صفویان استعدا داشتند که ممنوعیت سفر حج را ملغی سازند.

مطالعه جدید پیرامون تاریخ حج در اوایل دوران مدرن به شرح ذیل صورت گرفته است: هر دو مبحث بعد اقتصادی زیارت را مورد بحث قرار می‌دهند با این حال هیچ یک اطلاعات افزونی پیرامون کارکرد پول طلای در گردش ارائه نکرده‌اند. بنگرید:

Suraiya Faroqi *Pilgrims and Sultans: The Hajj under the Ottomans 1517-1683* (London/New York, 1994), and Micheal N. Pearson *Pilgrimage to Mecca: The Indian Experience 1500-1800* (Princeton, 1996).

99- ARA, VOC 1549, Gamron to Batavia, 24 Oct. 1694, fols 600v-1r.

100- ARA, VOC 1304, Isfahan to Batavia, 4 Sept. 1674, fol 519v.

101- Tucci, 'Emissioni monetarie, 284, 295.

۱۰۲- Tokat توکات: از شهرهای عثمانی واقع در جنوب دریای سیاه و جنوب غربی طرابزون. بنگرید: مونس، حسین، همان منبع، نقشه مربوط به دولت عثمانی در فصل هجدهم. (م)

103- ARA, VOC 1291, Gamron to Heren XVII, 21 March 1673, fol. 558r; VOC 1304, Gamron to Batavia, 24 May 1674, fol. 437r.

۱۰۴- جهت اطلاع تفصیلی بنگرید: دولاندن، ش، تاریخ جهانی، ترجمه احمد بهمنش، انتشارات دانشگاه تهران، ج دوم، چاپ اول ۱۳۶۴، صص ۹۱ - ۸۹. (م)

105- ARA, VOC 1694, Isfahan to Gamron, 12 May 1703, fol. 71.

106- Jean - Louis Bacque - Grammont *Les Ottomans, les Safavides et leur voisins* (Istanbul, 1987), 55, 72.

107- Public Record Office (London), State Papers, 110/20 Aleppo to Smirna, 17 Feb. 1697, fol, 99v

دلار شیر نشان که در ترکیه غروش اسدی یا ارسلائی، در سرزمینهای عربی ابوکلب در فرانسه ابوکول خوانده می‌شد بدل کم ارزشی از ریکس دلار هلندی بود. این سکه‌ها در کمیت‌های زیاد در ترکیه بعد از سال ۱۶۶۹ م. منتشر شدند و بزودی خیلی عمومیت یافتند چرا که آلمان و ایتالیا شروع کردند آنها را بصورت کم ارزشی تولید نمایند. بنگرید.

Ralph Davis, *Aleppo and Devonshire Square* (London, 1969), 190.

108- IOR, E/53/6417, Isfahan to Company, 15 July 1697

این می‌تواند فقط یک نظم ترتیب کوتاه مدت بوده باشد، زیرا هیچ سکه‌ای از این ضربخانه‌ها موجود نیست و از طرف دیگر هیچ ضربخانه‌ای شناخته نشده که در حلب و زرزم وجود داشته باشد.

109- Tavernier, *Les six voyages*, 1:136

110- See for example, ARA, VOC 1694, Isfahan to Gamron, 8 June 1703 fol. 71, and ARA, VOC 1763, Isfahan to Gamron, 3 March 1708, fol. 513.

۱۱۱- آگرا: محلی که تقریباً در هند مرکزی در جنوب علیگره واقع شده است. بنگرید: مونس، حسین، همان منبع، نقشه‌های مربوط به هند اسلامی در فصل یازدهم. (م)

112- ARA, VOC 1226, Gamron to Batavia, 1 March 1658, fol. 800v; *ibid*, Surat to Batavia, 27 Feb, 1658, fol. 713.

113- ARA, VOC 1291, Gamron to Heren XVII, 21 March

۱۵۲- محمد محسن مستوفی، زبدة التواریخ، به کوشش بهروز گودرزی، مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار یزدی، چاپ اول ۱۳۷۵، ص ۱۱۸؛ همین منبع در این زمینه می‌نویسد: شاه سلطان حسین فتحعلی خان ترکمان را به سرداری خراسان گماشت وی «به تاریخ پنجشنبه هفتم شوال سنه ۱۱۲۶ ه.ق / ۱۷۱۴ م. داخل مشهد شده، به جهت تدارک قشون و رفتن به هرات قنادیل و ظروف طلا و نقره سرکار آستانه مقدسه را که پادشاهان و سلاطین ایران و هند و غیره و سایر مردم در عرض سالها به عنوان نذر و وقف روضه مقدسه آورده بودند، قرض نموده مقرر شد که در حضور متولی و ناظر آستانه مقدسه سکه و به مصرف تدارک تسخیر هرات رسانیده، طومار مضبوطی به مهر مامورین درست نموده به درگاه معلی فرستند که بعد از تسخیر هرات و قندهار عرض آن به همان اشکال ساخته شود و هر چند عرض کردند که یمن ندارد قبول نیفتاد. تمامی به نحو مقرر به وزن در آورده، بدین موجب به عمل آمده به مصارف مقرر رسانیده، ۹۶ من و ۲۲ استار طلا و ۳ خروار و ۲۵ من نقره، بالاخره همان سبب انقراض این دولت سلسله علیه صفویه شده، امیرانی که دخیل و باعث این مقدمه بودند تمامی بر طرف و مقتول و اولادشان نیز منقرض شد. (م).

153- P.P. Bushev, *Posolstvo Artemiya Volynskogo v Iran v 1715-1718 gg.* (Moscow, 1978), 257.

154- W. Ph. Coolhaas (ed.), *Generale missiven van Gouverneurs-generaal en raden aan Heren XVII der Verenigde Oostindische Compagnie, vol. 7* (The Hague, 1979), 506, 572, 628.

اشتیاق شاه عباس

جهت افزایش موجودی طلای خود

از طریق گزارش یک فرانسوی روشن می‌گردد

که اظهار می‌دارد به مردم پول داده می‌شد که

دکات‌های خود را به ضرابخانه سلطنتی

تحویل دهند. جایی که در آن سکه‌ها

به ظروف طلائی مبدل می‌شدند



سکه ۱۰ شاهی نقره، افغان غلزایی شاه محمود، اصفهان ۱۱۳۵/۱۷۲۲م

gazettes hollandaises (XVIIe-XVIIIe siècles) (London - Paris, 1985), 304.

131- ARA, VOC 1493, Gamron to Batavia, 13 Oct. 1691, fols 281v-2v.

132- ARA, VOC 1476, Van Leene, Isfahan, to Batavia, 12 Aug. 1690, fol 418r

این گزارش حقوق سربازان در هند با طلا پرداخت می‌شد.

۱۳۳- Moorish مغربی، وابسته به شمال آفریقا. (م).

134- ARA, VOC 1679, Isfahan to Gamron, 10 feb, 1703, fol. 247.

135- The 1704 price is recorded in IOR, G/36/118 copy diary Isfahan, 29 June 1704, fol. 111. See also Charles Lockyer. *An Account of Trade in India* (London, 1711), 241.

136- ARA, VOC 1779, Isfahan to Gamron, 24 May 1708, fol 215.

137- ARA, VOC 1714, Gamron to Batavia, 20 Sept. 1704, fol 29. For a similar situation in 1705, see VOC 1732, Isfahan to Heren XVII, 30 Sept. 1705, fol. 234.

138- ARA, VOC 1763, Isfahan to Gamron, 21 Jan. 1708, fol. 494; *ibid*, Isfahan to Gamron 23 Feb. 1708, fol. 502.

۱۳۹- خاتون آبادی، و قایح السنین و العوام، ص ۵۵۳.

140- ARA, VOC 1732, Isfahan to Gamron, 23 July 1705, fol. 126.

141- ARA, VOC 1737, Isfahan to Heren XVII. 20 Sept. 1708, fol. 120.

142- ARA, VOC 1779, Isfahan to Gamron, 1 Nov. 1708, fol. 283.

143- ARA, VOC 1798, Isfahan to Gamron, 4 Sept. 1709, fol. 222.

144- ARA, VOC 1856, Isfahan to Gamron, 23 Nov. 1713, fol. 558.

145- ARA, VOC 1856, Isfahan to Gamron, 14 Jan. 1714, fol. 625.

146- ARA, VOC 1870, Isfahan to Gamron, 25 Aug. 1714, fol 222.

147- ARA, VOC 1879, Gamron to Batavia, 30 Jan. 1716, fol 41.

۱۴۸- Gardane گاردان: در سال ۱۱۲۹ ه. ق / ۱۷۱۷ م آژدوگاردان ارباب

سنت کروا برای انجام وظیفه در مقام کنسول فرانسه در اصفهان به اتفاق برادرش به ایران سفر کرد. دو برادر در زمان محاصره و تصرف پایتخت صفویه، به دست افغانان در سال ۱۱۳۵ ه. ق / ۱۷۲۲ م، هنوز در اصفهان بودند، بنگرید: سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیز، نشر مرکز، چاپ چهارم، ۱۳۷۴، صص ۲۱ - ۱۲۰ (م).

149- Archives des Affaires Etrangeres (Paris), Perse 5, Memoire sur les monnoyes de Perse et autres qui y ont cours, fols 209-11.

خروج پول با ارزش، بوسیله زوار به عنوان یک معضل در دوره‌های بعد نیز باقی ماند، چنانکه از اشارات به تأثیر منفی پول زیارت به عتبات در دوره زندیه می‌توان به این معضل پی برد. بنگرید:

Lorrimer, *Gazetteer, I/i, 164.*

150- ARA, VOC 1879, 4th fasc., Gamron to Batavia, 30 Nov. 1716, fol. 17.

151- ARA, VOC 1897, Isfahan to Gamron, 14 Nov. 1716, fols. 230-1.